

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۱۴۵	ترفروش	۱۰	تاج فیروزه
۱۳۰	توقی دادن کسی را	۱۲	تاج گردون - تاج کیخسرو
۳۳۳	ترکان چرخ	۱۳	تاج لعل
۱۰۱	توك آمد و شده کردن	۳۴۴	تاج لاله - تاج نرگس
۱۰۰	ترك تعلقات کردن	۸۲	تارك ادب
۳۱۲	ترك جان گفتن	۹۸	تازه ساختن داغ
۱۲	ترك چین - ترك حصارى	۹۸	تازه وسیراب
۱۳	ترك سنان گذار	۲۷۸	تازى هش
۱۰۱	ترك غرور و نخوت کردن	۲۶۵	تباشیر صبح
۱۲	ترك نیمروز - ترك زرد کلاه	۹۸	تبسم کردن
۲۷۷	ترکی تمام شدن	۳۱۶	تبسم مینا
۲۸۴	ترکی کردن	۹۸	تپدق - تپ استخوانی
۱۲	ترنج مهرگان	۹۸	تحفه
۱۲	ترنج زر - ترنج طلا	۱۰۰	تحمل
۲۲۰	ترنفسی - تر زبان	۳۷	تخت شدن دماغ یا افیون
۱۷۵	ترنوازی	۲۹۵	تخته بر سر کسی زدن و شکستن
۲۰۵	تسبیح سال	۳۵۶	تخته مشق - تخته تعلیم
۱۴۵	تسمه باز	۴۲۳	تخم چیزی افتادن
۳۳	تشت و آب خواستن	۴۱۶	تخم حرام
۱۰۸	تشت و خایه	۱۲	تذرو زرین
۳۹۰	تشنه دل - تشنه جگر	۳۸۰	ترازوشدن
۱۰۴	تشهید کردن	۱۲	ترازوی زر
۱۰۴	تصرف کردن در مزاج	۱۲۴	ترب کنندن
۲۶۱	تصویر قالمین	۲۹۷	تردامن
۱۰۵	تعجب کردن و حیران ماندن	۱۷۵	تر دست - تر صدا - تر نغمه
۱۰۷	تذیب	۳۷۸	تر دماغ
۱۰۵	تعریف آشنا کردن و بودن	۱۸۲	ترزیق بیان
۱۰۶	تعزیت	۹۳	ترسا
۱۰۶	تغضیم کردن	۱۰۲	ترسان و ترسیدن
۲۳۶	تفت	۱۰۳	ترسانیدن
۱۰۸	تفحص و جستجو کردن	۲۸	ترش رو - ترش رخساره

۱۱۲	توپ زدن و انداختن	۱۰۸	تقویم برهمنان
۱۱۲	توسر دادن و سر کردن	۱۰۸	تکیه کلام
۱۱۲	توقف و تأخیر کردن	۲۴۲	تگ و تاز کردن
۱۱۳	تهدید و تخریب نمودن	۲۴۲	تگ و دو نمودن
۱۱۳	تهمت آلود - تهمت کش	۱۰۸	تلاش کردن
۱۱۳	تهمت کردن و انداختن و بستن	۴۰۸	تلخ حرقان
۴۰۲	تهی دیده - تهی چشم	۲۸	تلخ رو - تلخ آبرو - تلخ جبین
۳۶۰	تهی ماندن از چیزی	۱۰۸	تلف شدن
۲۶	تهی مغز	۲۸۳	تلواسه و تلوسه کردن و گرفتن
۳۰۰	تیر آوری و تیر آور	۱۰۸	تماشا کردن
۲۲۷	تیر امان دادن	۱۰۹	تن آسانی
۱۹	تیر تظلم	۱۰۹	تنباکو - تنباکو کشیدن
۲۰	تیر سحر	۲۶	تنبان و تنبار
۱۱۴	تیز شدن و تیز کردن شمشیر و غیره	۲۴۶	تنبل
۱۱۶	تیزی دم شمشیر	۱۰۹	تن پرور - تن آسا - تن پرست
۲۶۵	تیغ آسمان زن - تیغ صبح	۳۰۹	تن دادن چیز را بچیزی
۲۶۵	تیغ افراسیاب	۴۶	تن در دادن
۱۷۲	تیغ بخون کسی کشیدن	۱۶۱	تند روی
۲۶۵	تیغ خورشید	۱۴۹	تن زدن
۲۲۰	تیغ گوشتین - تیغ نطق	۲۷	تنگ بخت
۱۱۵	تیغ و خنجر و مانند آن	۱۱۰	تنگ جام - تنگ شراب - تنگ می
	ث	۱۶۱	تنگ چشم
۱۱۷	ثابت قدم بودن	۱۱۰	تنگ در بر کشیدن
۳۰۰	ثعالب خصال	۱۱۰	تنگ در بغل گرفتن
۱۱۴	ثمان	۲۷	تنگ دست - تنگ روزی
	ج	۳۸۷	تنگ شدن قبا
۲۴۸	جاد و زیان - جاد و سخن	۳۶۵	تنگ شدن و بودن
۱۱۶	جاروب کردن و زدن و کشیدن	۱۴۹	تنگ شکر
۱۱۶	جا گرفتن در خاطر	۲۷	تنگ معاش - تنگ عیش
۹۳	جام	۱۳۸	تنگه مدور - تنگه مدور
۱۸۱	جام بر تارک سر کشیدن	۱۱۲	تواضع کردن
		۱۱۲	توبه کردن از شراب

۲۰۸	جبهه شير دريدن	۱۱۸	جام بلورين - جام آبگينه
۹	جبهه هزار صيخ	۱۱۱	جام برسنگ زدن
۱۱۹	جدائى	۳۰۰	جام خالى دادن
۱۷	جرس بر گلوبستن	۱۲	جام زرد - جام سحر
۱۷	جرس بر محمل بستن	۸۶	جام شير
۳۴۶	جرم در گذاشتن	۱۲	جام فلک - جام مسيحا
۱۲۳	جزا و سزا	۱۸۰	جام گير - جام پيما - جام دار
۲۵۲	جفا کش	۱۸۰	جام وساغر بر سر کشيدن
۱۲۲	جفت شدن و جفتى خوردن و زدن	۳۵۴	جامه آسمانى
۱۲۲	جفتى کردن ستوران و غيره	۳۳۰	جامه بدندان گرفتن
۲۰۸	جگر بند پيش زاخ نهادن	۱۱۸	جامه بر قامت و تن دوختن
۱۷	جگر بر گاو بستن	۳۵۴	جامه تلخ
۲۰۸	جگر خوردن و خائيدن	۳۸۶	جامه خون بسته
۲۰۸	جگر دريدن	۳۵۴	جامه در ته نيل فرو بردن
۲۰۳	جگر سوختن - جگر پيچيزى لرزيدن	۳۵۴	جامه در خم نيل زدن
۱۱۵	جگر شكاف	۳۳۰	جامه در خون کشيدن
۳۹۰	جگر گل	۳۰۹	جامه صورت
۳۷۵	جگر گرم - جگر ناخته	۳۴۴	جامه عيدى
۳۰۵	جگر گوشه - جگر بند	۳۵۴	جامه فاخته بر دوش افكندن
۱۷	جل بر گاو بستن	۳۸۶	جامه كاغذى كردن
۱۲۲	جادو تيزرو - تيزروى	۳۷۱	جامه گذاشتن - جامه نهادن
۲۵۳	جامع الاثم	۳۸۶	جامه و قبای مصحف پوشيدن
۱۲۴	جامع کردن	۱۱۵	جان بخش
۱۲۵	جانزه	۲۵۳	جان پروين - جان پريان
۱۲۵	جنگ و جدال	۳۰	جان در يك قالب
۳۸۹	جنود كبريا	۳۰	جان درميان داشتن و نهادن
۱۲۷	جوانابى ريش	۲۷۶	جان در بينى رسيدن
۲۵۲	جوان جنگ دیده	۳۷۱	جان سپردن
۱۲۷	جواهرات	۱۴۰	جان عالم
۴۱۰	جواهر سمه	۱۱۹	جبرئيل عليه السلام
۱۲۶	جود و سخا	۱۲	جبهه درویش

۱۸۹	چارطاق ارکانی	۱۸۸	جوفروتی گندم نما
۲۸۴	چارعیال	۲۴۶	جوهر
۲۷۷	چارموجه	۱۱۹	جوهر اول
۲۲۰	چاشنی دل	۵	جوهر علوی
۲۶۵	چاشنی صبح	۱۲۷	جوی شیرین
۴۱۹	چانه سخن	۳۰۷	جهان خوردن
۱۳۱	چاه خراب و بی آب	۸	جهان دیده
۱۳۱	چاه زنفندان	۱۵۸	جهان سیاه کردن
۱۳۱	چاه غنجب - چاه ذوق	۱۵۸	جهان کندن
۱۳۱	چاه فراموشان	۱۱۵	جهان نگیر
۱۳۱	چاه نسیان - چاه خموشان	۱۲۸	جهری
۱۰۰	چپ دادن	۱۲۸	جهل مرکب
۳۰۰	چپ انداز		
۹	چتر آبگون		چ
۳۸۰	چتر در چتر کسی دیدن	۶۷	چادر احرامیان
۱۲	چتر روزه چتر زرین	۹	چادر کیبود - چادر نیلگون
۳۱۷	چتر سیمایی	۲۱۵-۲۶۵	چادر ترما - چادر کافوری
۲۵۱	چتر کحلی - چتر عنبرین	۲۵۱	چادر کحلی
۱۲	چراغ آسمانی	۲۱۴	چادر ماء - چادر مستعار
۶	چراغ از چشم جستن	۲۸۴	چار آخر - چار میخ
۱۳۱	چراغ افروختن و سوختن	۲۸۴	چار اژدرما - چار استاد
۱۳۱	چراغ پایه و چراغ پا	۱۸۹	چار بقد
۱۲	چراغ جهانتاب - چراغ سپهر	۳۰۵	چار پهاو
۳۰۵	چراغ چشم	۱۰۰	چار تکبیر زدن و گفتن
۱۳۱	چراغ نجی شدن اسب	۲۸۴	چار تا - چار طبع
۱۳۰	چراغ را روغن کردن	۲۸۴	چار جوهر - چار آخشیح
۳۱۴	چراغ شرع	۴۱۹	چار چار گوی
۱۲	چراغ عالم افروز	۳۹۰	چار چشم
۱۳۶	چراغ کسی روشن شدن	۱۳۱	چار خوان - چار جوی بهشت
۳۳۸	چراغ کشتن و مردن و رفتن	۲۸۴	چار دری - چار بسیط
۲۵۳	چراغ منان	۱۸۹	چار دیوار نفسی
۳۳۸	چراغ نشان دادن و نشستن	۳۰۵	چار شانه

۴۰۲	چشم شکسته - چشم یافتن	۳۱۴	چراغ هدایت
۱۳۰	چشم شور - چشم خورده	۳۶۲	چراغ دنیا
۳۳۲	چشم شیطان	۵۲	چشم
۴۰۲	چشم کافوری	۱۰۹	چشم آب دادن
۴۲	چشمک زدن	۱۰۹	چشم افکندن و انداختن
۱۷۶	چشم گرم کردن	۴۰۲	چشم باطل ساختن
۱۳۰	چشم شور	۵۲	چشم بدست کسی بودن
۱۱۳	چشم نمای - چشم نمودن	۳۹۰	چشم برآه و برادر
۳۹۰	چشم و دیده برآه نهادن	۱۰۰	چشم برداشتن
۲۸	چشم ورود هم آوردن	۳۷۱	چشم برهم زدن
۸	چشمها دیده	۷۶	چشم بیحیا - چشم بی آب
۱۲	چشمه آتش	۷۶	چشم بیشرم
۱۲	چشمه بی نم - چشم روز	۷۶	چشم بی نم - چشم بیحجاب
۲۷۸	چشمه تدبیر	۱۹۵	چشم پشت
۱۲	چشمه خاوری	۱۵۴	چشم پیش کردن و چشم پیش
۱۰	چشمه زنگاری	۲۵۹	چشم تر کردن
۱۲	چشمه سیما ب - چشمه روشن	۲۵۹	چشم جستن
۸۶	چشمه شیر	۳۸۹	چشم چارشدن
۲۵۱	چشمه قیر	۷۶	چشم چراندن
۱۳۴	چقماق	۳۹۰	چشم چون دستار
۴۵	چکیده مژه	۲۵۳	چشم خروس
۱۳۴	چلم و چلیم	۲۸۹	چشم خوابانیدن
۱۶	چله نشین	۵۲	چشم داشتن
۱۳۵	چنده نمودن	۳۳۲	چشم دجال دهر
۴۲۲	چنگ	۷۶	چشم دریده - چشم زاغ
۳۳۲	چنگه پشت	۴۰۴	چشم رسیدن
۱۷۲	چوب خدائی	۳۶۴	چشم روشنی
۴۲۲	چوگان سیمین	۴۰۴	چشم زخم
۳۸	چهره درهم کشیدن	۷۶	چشم سخت کردن
۹۱	چین برابرو افکندن	۳۱۷	چشم شب
۳۸	چین پشانی - چین حبین	۲۷۴	چشم شدن

۲۹۰	حساب از خود داشتن	۲۸	چین در جبین افکندن
۱۳۹	حسرت بردن و تمنا کردن	۳۹	چیده میان
۳۴۵	حصن سبز		ح
۵۵	حسینی	۱۳۷	حاسد و حسود
۱۰	حصار معلق - حصار قیروزه	۱۳۶	حاصل شدن آرزو
۱۴۰	حضرت رسول خدا صلی الله علیه و سلم	۳۶۰	حاضری
۴۶	حکم کش	۱۳۸	حامله شدن
۲۴۶	حل الذهب - حل الماء	۸۶	حباب
۱۰	حلقه آنگون	۳۱۴	حبل المئین
۲۹۲	حلقه پشت - حلقه بگوش	۲۹۸	حباله - حباله شیطان
۴۶	حلقه در گوش کسی کشیدن	۳۱۴	حجت استوار
۳۱۷	حلقه سیمین	۴۸	حجت گرفتن
۳۹	حلقه نشکن	۳۳۶	حجت محکم
۷۴	حلوائ بیدود - حلوائ بیدخان	۱۳۸	حجر الاسود
۱۴۴	حلوائ صلح - حلوائ آشتی	۱۳۸	حرص نمودن بچیزی
۷۲	حل و عقد	۲۳۸	حرف استخوان دار
۱۴۴	حماقت و بی تمیزی	۱۳۸	حرف بتکلف زدن
۷۱	حمایل نشستن	۲۳۸	حرف بی ربط و پریشان
۱۶	حمدان - حمدون	۲۳۸	حرف پا بر هوا
۳۰۶	حنابستن	۴۱۹	حرف پریشانی
۲۵۳	حنای قدح	۲۳۸	حرف جوهر دار و تهادار
۴۵	حنای گریه	۲۶۱	حرف حین - حرف گیر
۱۱۴	حور زبان ساز	۲۹۳	حرف درقه زدن
۱۵۴	حیازده	۴۸	حرف درکار کسی کردن
۲۶۴	حی الماء	۲۳۸	حرف سرد - حرف خشک
۲۸۳	حیدر	۲۳۸	حرف سهل - حرف کم
۱۴۶	حیران و حیرت	۲۳۸	حرف منزدار و آبدار
۱۰۵	حیرت زده و حیران زده	۳۶۰	حرف واهی - حرف جاویده
۲۹۳	حیض الرجال	۱۳۸	حرمان
۳۹۴	حیض سفید	۱۸۹	حریف شدن
۲۵۳	حیض عروس	۱۳۹	حریف گلو گیر
			حزم و احتیاط

فهرست	۴۵۲
حیض گل	۲۵۹
حیلت انداختن	۳۰۰
حیله و تملل	۱۴۵
حیله و شیطنت در پرده داشتن	۱۴۵
حیوان نوحس	۱۴۵
خ	
خاتم التبیون	۱۴۰
خاتون جهان	۲۲۹
خاتون عرب - خاتون کائنات	۱۴۰
خاتون عنب	۲۵۳
خاتون فلک - خاتون یغما	۲۲۹
خاتون هفت قلعه	۲۲۹
خارجیدن	۳۸۳
خار در پیرهن بودن	۵۸
خار در جگر شکستن	۳۸۳
خار در جیب افکندن	۵۸
خار در راه نهادن و شکستن	۳۸۳
خاک آب	۳۰۸
خاک بر آوردن از چیزی	۱۵۸
خاک برب	۱۴۸
خاک مرده	۲۲۵
خاک خشک	۲۲۵
خاکدان - خاکدان دیو	۱۸۹
خاکدان کهن	۱۸۹
خاک در کاسه کسی زدن	۱۶۹
خاک دیوار خوردن	۳۱۸
خاک زدن	۱۱۸
خاک فراموشان	۳۱۰
خاک قبر در خانه ریختن	۴۹
خاک مال کردن	۱۶۹
خاک مراد (بخش)	۱۵۰
خاک مرده	۲۲۵
خال معشوق	۱۵۱
خام دست	۳۹۹
خاموش شدن و کردن آتش	۱۵۴
خامون ماندن و گرداندن	۱۴۸
خانه باغ	۱۵۴
خانه بر انداختن	۱۵۸
خانه بر هم زدن و خوردن	۱۵۸
خانه بریدن	۱۸۴
خانه زادن طبیعت	۱۴۸
خانه شوراندن	۱۵۸
خانه سیه کردن	۱۵۸
خانه فروش	۱۰۰
خایه بر کله جستن	۱۰۲
خایه غلامان	۵۵
خجلت ناک	۱۵۴
خجل شدن در رخ کسی	۱۵۴
خجل شدن و کردن	۱۵۴
خدا حافظ	۱۲۹
خداساز و خدای ساز	۱۵۸
خدانخواستنه - خدا نکرده	۱۵۷
خدا نه پسندد	۱۵۲
خراب	۳۲۸
خرابات	۳۵۷
خراب کردن شخصی را	۱۶۰
خراب و ویران شدن و کردن	۱۵۸
خرابی زده	۳۸۷
خرابیدن آواز	۱۶۰
خرکس	۲۵
خرگاه گاو پشت	۱۰
خرمای بیخسته	۱۶
خرمن کهنه بیاد دادن	۲۹۰

۱۰۰	خط بجهان کشیدن	۴۱۹	خرمن ماه - خرگاه
۱۷۲	خط بخون کسی آوردن و نوشتن	۳۰۰	خروس بازی
۱۷۶	خط بر خاک کشیدن	۴۱۹	خروس پیمحل و بی هنگام
۱۵۴	خط بر خاک و زمین کشیدن	۳۴۶	خزانه چینی
۱۶۵	خط بر رخسار آمدن و بستن	۲۷۶	خس بدندان گرفتن
۲۸۶	خط بر سر کسی کشیدن	۲۱۶	خس پوش و خس پوشیدن
۱۶۵	خطش بلم بر آفتاب راند	۲۶۱	خست و فرومایگی و بخیل
۳۶۸	خط کشیدن و نهادن	۱۲	خسروانجم - خسرو چهارم
۱۶۶	خط محبوب	۱۲	خسرو خاور - خسرو سیارگان
۴۱۸	خطیب الهی	۱۴۰	خسرو هشتم بهشت
۳۸۱	خطیب فلک	۵۸	خسک در جگر ریختن
۱۶۹	خفتن پای	۵۸	خسک در راه کسی ریختن
۶۶	خفتن خون و خسبیدن خون	۱۳	خسخت زر - خشک زر
۱۲۴	خفت و خیز	۱۴۸	خشک آوردن
۲۸۵	خلاف وعده	۱۴۵	خشک پی
۱۳	خلخال فلک	۲۸۲	خشک دامن
۷۳	خلد برین	۱۶۱	خشک دست
۱۶۸	خلق نیک	۲۱۳	خشک دهان
۳۸۵	خلیج العذار	۲۲۵	خشک زار و خشک سار
۸۴	خلیفه	۲۹۰	خشک نشانه کردن
۱۰	خم آهن گون - خم لاچورد	۱۶۳	خشک طینت - خشک پهلو
۴۲	خم ابرو بلند کردن	۱۶۳	خشک نهاد
۱۸۰	خم بر تارک کشیدن	۱۶۳	خشم در ابرو در آورده
۱۷۲	خم در خم کسی داشتن	۱۶۳	خشم رفته و خشمی
۳۴۱	خم زدن	۱۶۳	خشمگین و خشمگین شدن
۴۱۱	خم شدن برای سلام	۲۴	خضم یک چشم
۳۰۰	خم کسی خوردن	۱۰۲	خضیه بر کله جستن
۱۸۰	خم لبالب زدن و خمخانه کشیدن	۱۶۵	خضاب بستن
۱۴۸	خموشیدن - خاموش کردن	۱۶۵	خضاب زدن و نهادن
۲۵۶	خجری زر	۲۶۵	خضرمبارک دم
۳۱۶	خنده جام و ماغر	۲۸۶	خطا گرفتن

ردیف	عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
۱۷۱	خود رایه	۹۸	خنده زير لب	
۱۷۱	خودسر - خودپسند	۳۱۶	خنده شیشه و مینا و سراحی	
۲۳۷	خودنمای - خودفروش	۲۶۵	خنده صبح	
۳۸۹	خوردن کسی با کسی	۲۵۹	خنده گل	
۲۷۸	خورده دان - خورده بین	۳۱۶	خنده می و شراب و صهبا	
۲۸۶	خورده گرفتن - خورده گیر	۳۱۷	خنک شب آهنگ	
۸۸	خورشید بگل اندودن	۲۲۹	خنيا گر فلك	
۳۷۱	خورشید بر دیوار رفتن	۸۰	خواب برداشتن از چشم	
۲۵۳	خورشید سراحی	۶۴	خواب دیدن - خواب دیده	
۳۷۱	خورشید لب پام	۱۸۹	خواب گاه غول	
۳۴	خوش مژه	۱۶۹	خواب پای	
۱۷۳	خوش آمد گو - تعلق	۱۷۴	خواب پریشان و مو حش	
۳۴	خوش اندام - خوش قدم	۱۷۵	خواب جاوید - خواب اجل	
۱۷۵	خوش انگشت - خوشنواز	۱۷۶	خواب چهار پهلو	
۳۹	خوش جلو	۱۷۶	خواب سنگین	
۳۴	خوش چشم	۱۷۵	خواب غفلت - خواب خرگوشی	
۱۷۴	خوش خوی و صاحب دل	۱۷۶	خواب کردن با آرام تمام	
۲۴۸	خوش خیال - خوش نگر	۳۷۴	خواب مرگ - خواب عدم	
۳۴	خوش دشنام	۹	خواجة اختران	
۳۴	خوش دندان	۱۴۰	خواجة بخت و نشر (حضرت رسول)	
۷۱	خوش صغیران	۱۴۰	خواجة مساح	
۴۱	خوش طبع	۱۶۹	خوار و بی اعتبار کردن	
۱۷۳	خوش طبیعت و متواضع	۱۸۶	خواری	
۳۴	خوش کمر	۱۷۲	خواهان قتل کسی شدن	
۳۴	خوش کنار	۴۱۱	خوب محضر	
۵۷	خوش گاه	۹	خود	
۳۴	خوش گردن	۲۹۰	خود بین و خوب شدن بین	
۳۴	خوش لب - خوش بوسه	۲۷۵	خود را بر چیزی دوختن	
۳۴	خوش اقا	۲۹۰	خود را بلند کشیدن	
۲۹	خوش لگام - خوش عنان	۱۷۷	خود را جمع کردن	
۳۴	خوش مژگان	۱۷۱	خود را آمد خود سری	

۱۰	خیمه روحانیان - خیمه لاجورد	۱۷۵	خوشنوا - خوش نغمه
۱۰	خیمه کبود - خیمه زنگاری	۳۴۴	خوشنشینان چمن
۵		۱۷۸	خوش و خرمی
۷۷	داخل جمع و خرج نیست	۲۷۳	خون آشام
۱۹۳	دارالبوار	۳۸۶	خون برجبین مالیدن
۷۳	دارالسلام - دارالسلامت	۳۵۱	خون برو نمودن
۷۹	دارالشفای	۲۵۳	خون تانک - خون خم
۳۸۸	دارالصفای	۲۵۳	خون جام - خون بط
۷۳	دارالنسیم	۲۳۸	خون دل
۲۵۷	داروخانه دارو کده	۳۴۲	خون دل بناخن رسیدن
۱۸۶	دار و درخت	۳۴۴	خون دل خاک
۱۸۲	داروی بیهوشی و مستی	۲۵۳	خون دل مریم - خون ناموس
۱۸۲	داروی جراح	۲۱۵	خون وزر
۵۱	داغ بردست سوختن	۲۵۳	خون سیاوش
۲۹۲	داغ بر روی	۳۳۰	خون شدن و کردن
۷	داغ شدن	۲۵۳	خون شیشه و مینا
۲۹۷	دامن آلوده	۲۵۳	خون کبوتر
۳۹۵	دامن بدامن کسی بستن	۴۰۴	خون گرفتن و کشیدن
۲۷۶	دامن بدنمان گرفتن و کردن	۳۰	خون گرمی
۱۱۶	دامن تیغ	۱۵۴	خوی از بغل روان شدن
۳۹۵	دامن خود بدامن کسی گره دادن	۱۵۴	خوی بر آوردن از کسی
۳۴۱	دامن درپای افتادن	۱۷۷	خویشتن را جمع کردن
۳۱۱	دامن در نیجه شدن	۱۵۴	خوی کردن - خوی دویدن
۳۳۸	دامن زدن چراغ را	۱۵۴	خوی گرفتن
۳۸۳	دامن زیر پا و درپای افتادن	۱۷۹	خیر یاد
۲۷۶	دامن زیر سنگ آمدن	۱۷۸	خیره مقدم
۳۱۸	دامن قناعت بدست آوردن	۷۶	خیره چشم - خیره نگاه
۶۳	دامن کسی گرفتن	۲۹۲	خیلتاش
۴۰۰	دامن کشان رفتن	۱۰	خیمه اذق
۴۸	دامن کشیدن	۳۸۳	خیمه انداختن
۱۸۲	دانا	۳۸۳	خیمه در خرابی زدن

۴۵۷		فهرست
۱۹۸	در خانه اش گاوزاد	دانای اسرار دل
۱۳۸	در خشک	دانش
۳۸۲	در خود فرورفتن و فروشدن	دانه چیدن
۱۷۲	در خون کسی شدن	دانه عنبر
۱۵۴	در خوی نشستن	دایره کشیدن و ساختن
۱۸۳	درد استخوان شکن	دایره مینا
۲۰۸	درد خوار	دختر خم - دختر آفتاب
۲۰۸	درد کشیدن و درد خوردن	دحت رز
۳۹۷	درد دست آمدن	دختر شیراز
۱۸۳	درد سنگین - درد گران	دختر و دخت
۲۷۹	درد نبال کسی افتادن	در آب راندن
۲۹۵	درد دهن افتادن - در افقوا افتادن	در آب ریختن و انداختن
۴۵-۲۲۰	در ریختن	در آب و عرق افتادن
۲۹۵	در زبان افتادن	در آتش و آب بودن
۱۵۸	درس آمدن	در آفتاب نشانیدن
۱۰۷	درس شاخ کسی شدن	دراز دستی
۱۳	درشت زر	دراز کشیدن
۱۳	درشت مغربی و شرقی	دراز کردن
		دراز گیسو
۱۶۳	در غضب و بیخوب رفتن	دراز نفسی
۱۲۴	در کار بند کردن	در انتظار فرصت ماندن
۱۲۴	در کار گرفتن و کردن	در پس زانو نشستن
۳۶۷	در کاری فرورفتن	در پس کار شدن
۳۵۷	در کجا میخورد	در پشم کشیدن
۳۹۲	در کف آمدن	در پوست و پوستین افتادن و بودن
۱۸۳	در گاه و در خانه	در پوستین کسی بودن
۱۵۸	در گرد بودن	در جگر بودن
۱۵۸	در گردیدن و در گشتن	در جمال شدن
۸۷	در گرد بیان انداختن طفلی را	در جوال شدن و رفتن و کردن
۴۲۸	در گوش داشتن	در چاه افکندن
۳۵۹	در گوش کشیدن	در خاک و خون افکندن

۱۰۷	دست برچوب بستن	۱۸۳	درگوش گرفتن
۶۳	دست برداشتن	۳۰۰	در لوزینه سیر خوردن و دادن
۳۸۳	دست بردل	۱۸۳	در میان نهادن و داشتن
۱۸۸	دست بردل گذاشتن	۴۰۹	در نامه کردن
۱۵۴	دست بوردخ و بررو گرفتن	۱۱۲	درنگ کردن
۱۴۶	دست بر زنج ستون کردن	۷۸	در نورد نهادن
۲۸۸	دست بر زمین زدن	۳۶۶	دروغ بر کسی بستن
۲۸۹	دست بر زمین زدن خورشید	۱۸۲	دروغ و دروغگو
۱۰۶	دست بر سر نهادن	۳۶۰	درویشانه
۴۷	دست بر سینه	۱۴۰	درویش سلطان دل
۲۴۴	دست بر سینه نهادن	۵۷	دریا
۱۸۵	دست بر فلک شدن	۱۸۰	دریاکش - دریا نوش
۱۷۲	دست بر کسی بستن	۱۸۰	دریا کشیدن
۲۰۶	دست بر کمر داشتن	۱۸۰	دریاها را بر سر کشیدن
۲۷۶	دست بر زیر سنگ بودن	۹۳	دریای لعل
۲۷۶	دست بر زیر کف ماندن	۳۳۷	در یوزه - در یوزه گری
۱۸۴	دست بر نشستن	۱۸۵	در یوزه از دلها کردن
۱۸۶	دست بندان	۱۸۴	دزدان
۱۲۵	دست بیرون کردن	۳۹۳	دست آمتین کردن
۱۸۵	دست پناه	۳۸۶	دستار بر زمین زدن
۳۳۷	دست پیش آوردن و کردن	۱۰۲	دست از چیزی بر کنندن
۱۰۶	دست پیش داشتن	۶۶	دست از سر گرفتن
۱۸۶	دست خر	۸۶	دست افشار
۲۸۵-۳۹۷	دست دادن	۲۰۷	دست افشاندن
۲۷۳	دست دراز - درازدستی	۱۰۰	دست افشاندن از چیزی
۱۲۵	دست در خون زدن	۲۶۰	دست انداختن
۱۰۵	دست در دندان ماندن	۱۸۵	دست بدعا برداشتن
۲۹۵	دست در گلو کردن	۲۴۴	دست بر پیشانی گرفتن
۱۸۵	دست دعا زدن	۱۰۷	دست بر تخته بسته
۱۸۶	دست رد	۱۲۵	دست بر توکش زدن
۱۴۶	دست زیر ستون ساختن	۳۰۹	دست بر چشم نهادن
۱۴۶	دست ستون ته رو بودن		

فهرست	۴۵۹
دست ستون زنج بودن	۱۴۶
دست ستون زنج ماندن	۱۰۵
دست ستون سر کردن	۱۴۶
دست شستن از چیزی	۳۶۰
دست شکسته - دست پاک	۳۸۷
دست طمع دراز کردن	۱۳۸
دست کج	۱۸۴
دست زدن	۳۳۱
دست کشیدن از چیزی	۶۳
دست کشی کردن	۳۳۷
دست گذاردن	۱۰۶-۲۴۴
دستگردان	۳۱۳
دست گرفتن	۳۹۳
دست گزیدن	۱۸۴
دستگیر شدن و دستگیری	۳۷۰
دستمال	۸۶
دست نمودن	۴۷
دست نور دیدن	۳۹۶
دست و پاچه شدن	۳۸۳
دست و پا زدن	۲۴۳
دست و پا گم کردن	۳۸۳
دست و گریبان شدن	۱۲۵
دستیاری	۳۷۰
دشنام دادن	۱۸۶
دعا کردن - دعا گفتن	۱۷۹
دعوی برای بری کرد	۱۸۷
دعوی خود نمائی و کمال نمودن	۱۸۸
دعوی داری	۱۸۸
دغا باز	۱۸۸
دغا خوردن	۳۰۰
دقرا بلیس	۱۰۸
دفع زر	۱۳
دق الحصر	۷۳
دل آرای	۳۴
دل آزار	۲۷۳
دل از دست رفتن و دادن	۲۷۵
دل از دست رفته	۱۸۹
دل از کف داده - دلشده	۱۸۹
دل افتاده - دلپاخته	۱۸۹
دل بچیزی بستن	۲۷۵
دل برداشتن	۱۰۰
دل برداشتن و خوردن	۲۰۹
دل پر لب و روی دویدن	۳۴۲
دل تنگ - دل سرد - دلگران	۷
دل دادن	۱۸۸
دل دل گنان	۳۸۳
دل دریا کردن	۱۲۶
دل دویدن	۲۷۵
دل سوختن - دل بچیزی لرزیدن	۱۹۸
دل شیرین کردن - دل خوش داشتن	۱۹۸
دلفروز	۳۴
دل کردن	۲۰۶
دل گرم کردن - دل بچیزی دوختن	۲۷۵
دل گشای	۳۴
دلگیر - دل زده	۱۸۶
دلیر ساختن - استمالت	۱۷۹
دماغ رسیدن - دماغ آرایشدادن	۳۷۸
دماغ سوختن - دماغ پختن	۲۰۹
دماغ کردن و فروختن	۲۹۰
دماغ گرم کردن	۳۷۱
دم بخود کردن - دم بستن	۱۴۸

۱۵۸	دود برانگیختن از چیزی	۱۱۲	دم بستن - دم در کشیدن
۱۹	دود جگر - دود دل	۱۱۶	دم تیغ و خنجر
۲۰۸	دود چراغ خوردن	۳۰۰	دم دادن و خوردن
۲۹۲	دودله - دودله	۲۶۴	دم گرگ
۱۹۳	دورانداختن و شدن	۱۹	دم نیم سوز - دم سحابی
۱۹۲	دوربین	۲۹۵	دندان از بن کشیدن
۲۱۹	دو روئی - دوزبان	۵۲	دندان بچیزی بند کردن
۱۹۳	دوزخ	۸۷	دندان بدندان زدن
۱۹۸	دوش بر زدن	۲۶۳	دندان بر جگر افشردن
۳۷۳	دو طفل نور	۲۰۶	دندان بر چیزی
۳۷۳	دو طفل هندو	۲۶۳	دندان بر سردندان نهادن
۳۷۳	دو عروس میش	۲۷۹	دندان بزهر خاکیدن
۱۹۲	دولتمند و بدولت رسیدن	۲۹۵	دندان یکام شکستن
۱۹۲	دومویه	۹۱	دندان بلند
۱۹۳	دویدن	۲۰۶	دندان بند کردن - دندان سرخ کردن
۱۰۵	دهان باز ماندن	۴۲۳	دندان تر بر کسی داشتن
۱۹۵	دهان پشت	۳۳۵	دندان تیز کردن
۱۳۸	دهان پر آب گشتن	۲۶۳	دندان خونین شدن
۳۵۷	دهان چیزی داشتن	۲۶۳	دندان در جگر غوطه زدن
۲۷۷	دهانگشت بدهان گرفتن	۳۳۵	دندان در کار کسی داشتن
۱۳	دهره زر	۲۷۹	دندان زنی
۸۸	دهل در زیر گلیم زدن	۳۵۵	دندان کوه
۷۳	ده مسکین	۱۹۱	دندان معشوق
۱۹۵	دیده پشت و دیده لغا	۱۶۸	دندان نمودن و سپید کردن
۳۹۰	دیده چو دستار	۱۵۴	دندانی کردن
۲۷۵	دیده سرخ کردن بچیزی	۱۸۹	دندما
۱۳۰	دیده شور	۱۴۵	دو الک باز
۱۰۹	دیده فکندن	۳۹۶	دو خاتون بینش
۴۰۲	دیده کافوری	۳۹۶	دو خاتون در گاه سنجاب
۱۹۵	دیده متعدد	۳۷۱	دوداز دماغ بر آمدن
۱۹۴	دیده و دانسته در مرض هلاک افکندن	۳۷۳	دو دانه مشک

۲۱۴	رخش ماه	۹۱	دیرینه سال - دیرینه روز
۵۲	رخ کردن و نهادن چیزی	۲۶	دیوار کوتاه
۲۰۳	رخ معشوق	۱۹۷	دیوان سیاه
۱۸۳	رذاق خانه	۱۹۴	دیوانگی و دیوانه
۲۱۱		۱۱	دیوزده - دیو گرفته
۱۶۰	رسن برای کسی تافتن	۱۹۶	دیوث
۲۷۷	رسن در گردن آمدن		
۲۰۵	رشنه سالگره	۲۹۸	دات الشمال
۲۶۴	رشته صبح	۵۸	ذات الصدر
۲۰۵	رشوت دادن و راشی	۱۹۷	ذخیره دل - ذخیره خاطر
۳۲۵	رصد بستن	۱۹۷	ذقن معشوق
۳۹۳	رصد بند - رصد نشین	۱۹۸	ذکی و تیز طبع
۳۰۸	رصد خاکي	۱۹۸	ذوق کردن و شاد شدن
۷۳	رضوان کده - روضه کده		ر
۳۴۴	رعنائی فر و شان چمن	۱۳	رازدل زمانه
۲۰۶	رعنائی و خود نمایی	۷۸	راه را سیاه کردن بر کسی
۲۰۶	رغبت و شوق و خواهش	۲۰۱	راه رفتن
۳۷۱	رفتن	۳۴۸	راه قلندر
۲۰۷	رقص و رقاص	۲۰۲	راه گم کردن و شدن
۲۲۵	رقعه غیرا	۲۰۲	رای
۳۳۳	رقیبان دشت هفت بام	۳۶۳	رایگان - رایگانی
۲۷۹	رقیبان راز	۱۴۰	رحمت للعالمین
۳۷۴	رک جنبید	۲۰۳	رحم کردن
۲۸۸	رک چیزی گرفتن	۳۷۱	رخت از جهان بردن
۱۶۳	رک در تن بر خاستن و جستن	۳۳	رخت اقامت آوردن
۳۵۷	رک فلان چیز ندارد	۳۷۱	رخت بر زمین کشیدن
۱۰۱	رک گردن نرم کردن	۳۷۱	رخت بصحرا نهادن
۲۰۷	رم زده - رم خورده - رم دیده	۳۷۱	رخت بیرون بردن
۲۰۸	رم کرده - رم طینت	۱۷	رخت سفر کشیدن
۹۹	رنج باریک	۳۳	رخت سفر گشادن
۲۰۸	رنج و تعب کشیدن	۲۵۶	رخش خوردن

۲۱۴	روز و شب	۱۵۴	رنگ آوردن
۲۱۲	روزه خوردن و شکستن	۱۵۴	رنگ بر رو ریختن
۲۱۳	روزه دار- روزه داشتن	۲۰۸	رنگ پریدن
۱۴۸	روزه مریم	۲۰۸	رنگ داشتن و جستن
۲۱۲	روزه واکردن	۲۰۸	رنگ دم کردن
۱۵۴	رو ساختن و داشتن	۲۰۸	رنگ ریختن- رنگ برجستن
۲۹۸	روسبی	۲۱۶	رنگه و آب بر روی کار آوردن
۲۷۸	روشن دماغ- روشن رأی	۱۳۶	رواشدن تمنا و حاجت
۲۷۸	روشن قیاس	۱۳	روپاه زرد
۴۲۸	روشن کردن	۲۹۲	روید یوار
۲۱۴	روشن گهر- روشن نهاد	۳۸۹	رو برو خوردن
۲۱۵	روشنی آفتاب	۳۰۰	روبه بازی
۲۱۴	روشنی ماه	۱۱۹	روح الامین
۷۳	روضه ارم	۱۱۹	روح القدس
۳۰۸	روضه ترکیب	۲۸۶	روح الله
۷۳	روضه خلد برین	۱۱۹	روح مکرم- روح اعظم
۱۱۴	روضه دوزخ یار	۸۵	روداری
۷۳	روضه رضوان	۲۱۵	روداری کردن
۱۷۴	روغن زبانه	۳۶۷	روداشتن
۱۷۳	روغن قاز و کدو مالیدن	۲۱۲	رودر رخ گرفتن
۲۵۳	روغن کدو	۲۱۱	روز امید و بیم
۱۵۴	رو فرمودن	۲۱۳	روزانه- روزیانه- روزینه
۲۷۶	روفکندن و انداختن	۲۱۶	روز بازار
۴۸	روگردانیدن	۲۱۱	روزداد- روز شمار- روز قیام
۱۲	رومی زن رعنا	۲۱۱	روز قیامت- روز جزا
۲۱۴	رومی زنگی- رومی هندی	۲۱۵	روزگار بر آوردن
۳۱۶	رومی زنگی جبین	۲۱۵	روزگار خوردن
۳۷۷	روندگان	۱۳	روزگار ضایع کردن و شدن
۳۳۳	روندگان عالم	۱۳	روزگرد- رومی نندان
۲۱۶	رونق و رواج کار	۲۱۱	روز محشر- روز بازخواست
		۲۱۱	روز مظالم- روز حشر و حساب

۱۹۰	زاده شش روز	۲۱۲	روودهن پوشانیدن
۲۹۷	زاغ دل	۲۱۲	رو و روی نما
۲۵۱	زاغ سپاه	۳۷۳	روی بزاتونهادن
۲۲۱	زاغ گرفتن	۴۰۶	روی بقدر - روپوش
۱۹۰	زال رهنا	۲۵۷	روی چیزی داشتن
۱۸۹	زال سر سپیدسینه دل	۳۰۰	روی دستی خوردن
۲۱۸	زاتو بر خاک مالیدن	۵۲	روی دل دیدن
۱۰۶	زاتوزدن	۸۵	روی کسی گرفتن
۳۷۳	زانور صد گاه کردن	۸۵	روی گرفتن از کسی
۲۱۹	زبان	۲۱۵	روی نازك داشتن
۲۴۸	زبان آور	۳۹	رویین سم
۲۹۵	زبان با کسی یکی کردن و داشتن	۳۹۰	ره داشتن
۲۱۸	زبان بر دیوار مالیدن	۳۷۷	رهرو
۳۴۷	زبان برینده	۴۱۴	ریب المنون
۲۵۲	زبان بند خرد	۱۶۰	ریسمان بر کسی تافتن
۲۸۵	زبان دادت	۳۲	ریسمان پاره کردن
۱۴۸	زبان در ته دندان کشیدن	۳۹۹	ریش بدوغ سفید کردن
۱۴۸	زبان در کام دزدیدن و بکام کشیدن	۱۹۲	ریش جو و گندم
۱۴۸	زبان در کام رها کردن	۷۹	ریش در دست دیگری داشتن
۱۴۸	زبان در کشیدن	۳۹۹	ریش را از آسیا سفید کردن
۲۲۰	زبان زرگری	۹۱	ریش سفید
۲۱۹	زبان شکسته - زبان سنگین	۲۱۶	ریش فرود شد متاع مردم را
۲۲۰	زبان فصیح - زبان مغز دار	۲۵۳	ریش قاضی
۲۲۰	زبان کردن	۲۰۸	ریش کندن و خاریدن
۲۲۰	زبان کشیدن و گشادن بر کسی	۱۴۴	ریش گاوی
۱۴۸	زبان گیر	۷۷	ریش نداشتن
۴۲۸	زبرد داشتن	۳۰۰	ریشه کردن و ریشه دو اندن
۳۸۴	زبون زن شدن		ریشه خوردن
۲۲۱	زحل	۲۱۸	ز
۴۲۱	زخم بر گرفتن	۴۲	زادن
۲۲۱	زخم تیز - زخم قریبه	۴۲	زاده خاک
			زاده خاطر

۲۲۸	زنگ از دل ربودن و رفتن	۲۲۱	زخم زدن و ریختن
۲۵۱	زنگبار - زنگی گریان	۲۲۱	زخم کاری - زخم داس دار
۲۲۷	زنگ بسته - زنگار بسته	۲۲۱	زرقام عیار - زر کامل عیار
۲۲۸	زنگ دل - زنگ سفید	۲۲۱	زر خالص - زوپاک
۲۲۷	زنگ کشیدن	۲۱۵	زرداب
۱۳	زنگوله روز	۱۶	زردک
۳۷۳	زنگی	۲۷۲	زرق و برق
۳۸۴	زن مرید	۵۵	زرقاب
۲۲۷	زنهار خواستن	۲۲۱	زومصری - زرشش سری
۲۲۷	زنهار دادن - زنهاری	۲۲۱	زوتاب - زوسارا
۱۹۲	زودنقد	۱۳	زرین سپر - زرین ساغر
۱۳	زورق زرین	۱۳	زرین صدف
۲۲۸	زور و قوت نمودن	۱۸	زرین هما
۷۶	زه دیده	۲۲۲	زلف معشوق
۲۲۹	زهر خود بکسی ریختن و دادن	۱۳	زهرم آتشفشان
۲۵۳	زهر مینا	۲۲۵	زمین بوسیدن
۲۲۹	زهره	۲۲۵	زمین بی گیاه
۲۲۹	زهره باختن	۲۲۶	زمین سخت و آسمان دور
۳۴	زهره بنا گوش	۳۹	زمین کوب
۳۴	زهره رخ - زهره جبین	۲۲۵	زمین وزمی
۲۲۹	زه کمان	۴۹	زفار از زیر خرقة گشادن
۲۳۰	زیاده از دهان و مرتبه او	۱۹۶	زن بمزد - زن جلب
۲۳۰	زیاده از سراو	۱۲	زنیورخانه
۲۳۰	زیاده گوی	۳۴	زنجیر موی
۲۴۶	زیبق	۱۵۴	زنج بر خود زدن
۲۳۰	زیب و زینت کردن	۳۷۳	زنخدان بچیب فرو بردن
۳۲۵	زیج در کاری بستن	۲۲۶	زنخدان محبوب
۲۳۱	زیر زبان - زیر لب	۴۱۹	زنج زدن
۹۸	زیر لب خندیدن	۳۱۰	زندان خاموشان
۲۳۱	زیر نگین کردن و گرفتن	۲۲۷	زنگار خورد - زنگار خورده
۲۳۱	زیر و زبر نمودن	۱۰	زنگاری سپهر
۳۳۴	زیر و بکرمان بردن		

فهرست

۱۰	سبزخوان	۱۷	زین بر گاو بستن
۳۴۵	سبزنگ		س
۱۱۹	سبز کبوتر	۹۳	ساتگین - ساغر
۲۳۶	سبعه سیاره	۳۹۵	ساختن بیچیزی - ساختن چیزی را
۳۷۸	سبک ساختن	۲۳۳	ساده مرد - ساده لوح
۲۳۵	سبک سنگ - سبک	۲۳۳	ساز بستن - ساز زدن
۲۳۵	سبک مغز - سبک سر	۲۳۴	سازگار - سازوار - سازگر
۲۷۶	سبک مست کردن	۲۱۱	ساعت
۳۸۹	سبوحیان	۲۳۵	ساعت نحس و سنگین
۳۶۰	سبوشکستن	۲۳۵	ساعت قمر در عقرب
۲۱۵	سپاه ترک	۲۳۲	ساعت معشوق
۲۷۶	سپرافداختن و افکندن	۱۸۰	ساعرزدن - ساغر نوشیدن
۲۷۶	سپر بر آب افکندن	۲۳۴	ساق عروس - ساق عروسان
۱۳	سپر پل	۲۳۴	ساق معشوق
۳۷۱	سپردن	۲۳۵	ساقی
۱۳	سپر زرد	۱۱۹	ساقی روحانیان
۲۳۶	سپر کشیدن - سپر بر سر کشیدن	۱۴۰	ساقی کوثر - سابقه سالار
۲۳۶	سپه سالار - سپه کش - سپه دار	۳۸۹	ساکنان گردون
۲۶۴	سپید بالا	۹۱	سال آزمای
۲۶۵	سپید پهن	۱۴۰	سالار بیت الحرام
۱۲۶	سپید دست	۱۳	سالار هفت خروار کوس
۲۶۵	سپید دم	۲۳۲	سال در دیدن
۲۱۶-۲۸۴	سکار	۳۸۹	سالکان عرس
۱۶۸	سپید کردن لب و دندان	۹۱	سالی - سالخورده - سالدار
۳۴	ستاره دندان	۵۲	سایه افکندن
۲۵۱	ستاره شمردن	۳۰۶	سایه پرستی
۴۵	ستاره قشانی	۸۴	سایه رب النعم
۱۳	ستاره قلندران	۳۹۹	سایه رست
۲۶۹	ستاره نداشتن	۲۳۶	سید گل
۲۳۷	ستایش آبا و اجداد کردن	۲۶۰	سبز پا و سبز قدم
۲۸۳	سترون	۹	سبز پل

۲۸۸	سر آمدن	۲۷۳	ستم پرور - ستمگر
۴	سر آب بستن	۳۸۶	ستم کش - ستم زده
۱۵۴	سرایستان	۲۷۳	ستم گستر - ستم اندیش
۳۵۶	سراپا دادن	۱۲۶	ستیز ندگی - ستیزه
۳۱۷	سراج المساكين	۲۳۷	سجده - سجود
۸۰	سراز خواب در آمدن	۱۲۶	سحاب کف - سحاب نوال
۳۰۰	سراز شیشه تهي چرب کردن	۱۲۶	سخاب گستر - سخاورز - سخاور
۱۸۷	سراز يك جيب و آستين بر آوردن	۲۳۹	سخابوت
۳۱۳	سرافشاندن	۱۱۷	سخت بازو
۲۴۱	سر انجام دادن کاری	۱۶۱	سخت پنجه
۱۹۰	سرای سپنج - سرای شش	۲۵۲	سخت پیشانی - سخت جان
۷۳	سرای جاوید - سرای محمود	۲۳۸	سخت جان - سختی کش
۲۹۷	سرای سرور	۲۰۹	سخت خوردن
۴۸	سر باز کردن	۲۷۳	سخت دل
۳۱	سر بفریا سودن	۲۵۲	سختی بین
۳۱	سر بر آوردن	۱۶۹	سخن بر زمین زدن
۳۶۷	سر بر چیزی داشتن و نهادن	۱۶۹	سخن بر خاک افکندن
۱۹۴	سر بر کمر زدن	۲۳۸	سخن بیمزه
۸۰	سر بر گرفتن (از خواب)	۲۳۸	سخن خوب و لطیف
۳۰۶-۳۷۳	سر بزانو نشستن	۲۳۰	سخن دراز و بلند کشیدن
۸۹	سر بچای کشیدن	۴۱۹	سخن زهریر
۳۳۱	سر بده	۲۲۰	سخن زنده
۳۳۴	سر ب سنگ زدن	۲۴۸	سخن زن - سخندان - سخن باف
۱۹۴	سر بصحرا داده	۳۳۱	سخن سر بسته
۱۸	سر بکوه و بیابان دادن	۴۱۹	سخنش شتر گربه است
۱۹۴	سر بکوه و بیابان داده	۲۴۸	سخن طراز - سخن سنج - سخن پرداز
۳۰۶	سر بگریبان - سردر گریبان	۲۴۸	سخنور - سخنگو - سخن گستر
۱۸۳	سر بگوش گذاشتن - سر گوش	۳۴	سدره قد
۱۷۶	سر بلحاف کشیدن	۱۵۸	سد گشادن
۴۸	سر پا زدن	۲۴۱	
۳۵۵	سر پا زدن - سرپی	۲۴۲	سر آب

۲۴۲	سرزدن	۱۲۴	سرپای جنییدن
۴۸	سرواژدن از چیزی	۳	سرپستان
۴۰۰	سرذلف	۵۰	سرپوش از روی راز برداشتن
۲۶۶	سرزوری	۸۹	سرپوش گذاشتن
۲۱۶	سر سبز شدن و کردن	۴۸	سر پیچیدن
۲۶۷	سر سخت خوردن	۵۸	سر توقع خاریدن
۴۵	سر شك شور	۳۳۰	سر تیغ خاریدن
۲۵۶	سر شدن و سر کردن	۱۵۴	سر خجالت در پیش داشتن
۱۲۴	سرفتیله چرب کردن	۲۷۳	سرخ چشم - سخت جان
۱۳۴	سرقلیان	۳۷۰	سرخس
۲۴۰	سر کردن	۱۸۶	سرخس در کون فلان
۲۴	سرکش و مغرور	۱۶۳	سرخ شدن
۴۸	سر کشیدن	۴۳۳	سر خود خوردن
۲۸	سرکه برابروان	۳۷۸	سر خوش
۲۸	سرکه برابروی	۱۵۴	سرخ وزرد شدن
۲۸	سرکه بر روی مالیده	۱۵۴	سرخی و اشیدن
۲۸	سرکه بیشانی	۱۸۳	سرجفت کردن و فرا گوش آوردن
۲۳۵	سرکه ده ساله	۱۰۴	سرجنبانیدن
۲۸	سرکه فروش	۲۶۷	سرجنگ خوردن
۲۹۸	سرگاوزدن	۳۰۹	سردر آوردن چیزها
۱۶۳	سر گرفته	۱۸	سر در جهان گرفتن
۳۶۷	سرگرم بودن	۲۴۰	سر در چیزی کردن و گذاشتن
۴۷	سرگوش گرفتن	۸۹	سر در شکم نهادن
۱۹۴	سرمه	۱۸	سردر صحرا نهادن
۱۴۸	سرمه خوردن	۴۷	سردر کلاه کسی نهادن
۳۴۷	سرمه خوردن - سرمه بگلو کشیدن	۱۵۴	سردر نشیب کردن
۵۷	سرمه دان عاجی	۱۹۴	سردر هوا
۲۴۰	سرمه دنباله دار	۶۳	سردزدیدن
۲۵۱	سرمه گیتی	۳۷۰	سردستی گرفتن
۱۷۶	سر نهادن - بخواب در آمدن	۴۱۹	سرد گوی
		۲۷۳	سرد مهر

۳۴	سمن بوی - سمن عذار	۱۴۰	سرور کائنات
۳۴	سمن ساق	۳۴	سرو قد - سرو قامت
۳۴	سمن خد - سمن غیب	۱۹۳	سرای شرور
۱۱۱	سنگ بر سبوزدن	۲۳۹	سرین معشوق
۱۱۱	سنگ بر شیشه افتادن	۲۵	سست ریش
۱۱۱	سنگ بر قرابه زدن	۲۴۲	سست و کاهل
۱۱۱	سنگ بر قندیل زدن	۲۷۰	سعمری و سعمرباز
۲۰۹	سنگ دردندان آمدن	۲۴۲	سعی بیفایده کردن
۱۴۸	سنگ دردها انداختن	۲۴۲	سعی در کاری کردن
۳۳	سنگ درموزه افتادن	۲۷۳	سفاک
۲۷۳	سنگ دل و سنگین دل	۳۰۸	سفالینه خام
۳۸۶	سنگ دمشق - سنگ امتحان - سحک	۲۹۲	سفته گوش
۳۸۹	سواد اعظم	۲۴۳	سفر کردن
۳۹۰	سواد تند کردن - سواد روشن کردن	۷۰	سفره پرداز
۱۳۸	سواران آب - سوارك آب	۲۶۰	سفید پی
۲۷۵	سوخته دل	۴۰۲	سفید چشم
۴۱۴	سوراخ شدن	۸۲	سفید شدن خون
۹۹	سوغات	۴۱۴	سقفه آسمان سوراخ شدن
۱۵۴	سوی پادیدن	۲۴۴	سکندر خوردن - سکندری
۳۷۰	سوی کسی گرفتن	۲۵۸	سکندری خوردن اسپ
۲۴۵	سهو کردن در تکلم و نوشتن	۱۶	سکه مردی
۲۸۶	سهو گرفتن	۲۶۹	سگان جیفه دنیا
۲۴۷	سیاه پستان	۳۲۸	سگ پا سوخته
۲۷۳	سیاه دل - سیاه درون	۲۳۸	سگ جان - سگ جگر
۲۹۸	سیاه زن	۲۷۳	سگ دل
۲۷۳	سیاه نامه	۲۴۴	سلام کردن
۱۶۹	سیاهی زدن	۱۲	سلیمان روز
۱۶۳	سیاهی کردن با کسی	۲۷۶	سم افکننده
۱۳۱	سیخ پاشدن اسپ	۳۸۲	سمر شدن
۱۴۰	سید	۳۴	سمن بنا گوش

فهرست

۴۶۹

۴۲۲	سیمین صولجان	۱۴۰	سیدالانام
۴۱۷	سیمین قواره	۲۵۸	سیر
۴۲۲	سیمین کمان	۲۴۶	سیراب
۳۴	سیمین میان	۳۸۳	سیردر کون کسی نهادن
۲۷۵	سینه چاک	۳۸	سیردر لوزینه انداختن
۲۳۳	سینه صاف	۳۸۳	سیر و نمک در کس و کون کسی نهادن
۲۷۵	سینه کباب	۱۷	سیت
۲۴۷	سینه معشوق	۳۸۳	سیل در خرمن افتادن
۲۲۸	سینه نهادن و زدن بر چیزی	۱۹۰	سیل گاه
۴۱۶	سیه بادام	۲۴۵	سیلی بستن
۴۵۴	سیه پوشیدن	۴۱۴	سیلی فلك
۲۳	سیه پیل	۲۹۸	سیم آور
۶۷	سه دست	۲۴۶	سیماب
۱۶۱	دل	۱۳	سیماب آتشین
۴۳	سیه مال	۳۸۳	سیماب جلوه
۲۷۱	سیه کردن پستان	۴۵	سیماب چشم - سیماب دیده
۳۷۸	سیه مست	۳۲۹	سیماب در گوش ریختن
۱۹۴	سیه مغز	۳۹۹	سیماب دل
۲۱۴	سیه و سفید	۱۱۵	سیماب ریز - سیمابگون
	ش	۳۴۱	سیماب شد - سیماب پا
۸۷	شاخ از پشیمانی بر آمدن	۱۲۴	سیم بر سنگ زدن
۳۶۶	شاخ بدیوار	۲۴۶	سیم حلال
۳۶۶	شاخچه بندی	۲۴۶	سیم خالص
۳۴	شاخ سیمین	۲۴۶	سیم خام
۳۴	شاخ صنوبر	۲۴۶	سیم شاخدار
۴۲۲	شاخ غزال - شاخ گوزن	۲۴۶	سیم فراری
۳۴	شاخ گل	۲۴۶	سیم گذاخته
۱۷	شاخ مردی	۳۴	سیمگون
۱۲	شاخ ناشکسته	۳۴	سیمین پنجه
۳۴	شاخ برگس	۳۴	سیمین ساق
۲۴۶	شاداب	۳۴	سیمین سرین

۱۲	شاهنشاه زند و اوستا	۱۹۸	شادان - شادمند
۱۴۰	شاه نیمروز	۱۹۸	شادمانی
۱۳	شاهین زرانود	۲۴۸	شادی و خوشی
۲۱۴	شباروز	۲۴۸	شاعر
۲۹۸	شب پاره	۷۹	شال بگردن داشتن
۳۹۵	شبان وادی ایمن	۴۰۰	شام خوردن
۲۵۱	سب جریا دانستن	۴۰۰	شام شکستن
۲۵۰	شب بسر بردن - شب شکستن	۲۴۸	شام وصیح - شام وپگاه
۲۵۱	شب بیدار - شب پیسا	۱۲	شان عسل
۲۵۰	شب پر - شب پرست	۱۲	شان موم
۲۵۱	شب تاریک	۴۸	شانه خالی کردن
۲۵۰	شبخون زدن - شبخون آوردن	۴۸	شانه کردن
۱۸۴	شب روان - شب دزد	۴۸	شانه گردانی
۲۵۱	زنده دار - شب پیمودن	۱۳	شاه اختران
۲۵۱	عنبرین	۳۱۷	شاه انجم - شاه شام
۴۵	شبشم مژه - شبشم مژگان	۳۵۰	شاه اندازی کردن
۴۵	شبشم گریه	۱۳	شاهیار بحر
۱۲۲	شتاب خورده - شتاب بزده	۱۳	شاه تب لرزه دار
۲۵۲	شتر	۱۳	شاه خاور - شاه روز
۳۹۹	شتردل	۱۳	شاهدایی
۲۱۲	شترسواری	۳۵۶	شاهدباز
۲۵۲	شجاعت و دلیری	۲۵۱	شاهد حبش
۱۴۰	شحنه دریای عشق	۱۲	شاهد زر
۱۴۰	شحنه شب و سحر	۲۸۳	شاه دلدل سوار
۲۵۳	شراب	۱۴۰	شاهد لعمرک
۲۵۲	شراب زدن	۱۴۰	شاه رسل
۱۱۵	شربت الماس	۲۸۳	شاه زنبوران
۲۳۰	شرح کشف خواندن و کردن	۱۳	شاه شرق - شاه چین
۳۸۳	شرر در پیرهن	۱۴۰	شاه گویندگان
۲۱۵	شرم حضور داشتن	۱۴۰	شاه مازاع البصر
۲۱۴	شروخیر	۲۸۳	شاه مردان
۲۵۶	شروع کردن در کار	۲۸۳	شاه نجف

۲۷۱		۲۷۱	فهرست
۲۴۲	شکوفه فشاندن	۲۵۶	شریب
۲۵۹	شکون و تغال	۲۵۶	شعاع و خطوط آفتاب
۵۷	شلفینه - شلقیه	۲۵۳	شعله تانک
۲۵۶	شمشیر زر	۳۴	شعله رو - شعله رخسار
۱۲	شمشیر سحر	۲۴	شعله زاده
۳۱۴	شمع الهی	۳۴	شعله مزاج
۲۵۲	شمع انگوری	۳۴	شعله نگاه
۳۴	شمع بالا - شمع رخسار	۲۵۷	شفا خانه
۱۰۰	شمع را در پس گذاشتن	۲۵۷	شفاعت خواستن
۱۲	شمع رواق اخضر	۷۴	شفتالو
۱۳	شمع زردین لکن	۱۴۰	شفیع المذنبین
۱۲	شمع سحر	۹۸	شکر خنده
۱۲	شمع صباح - شمع صبحی	۷	شکر رنجی - شکر رنگی
۱۲	شمع عالمتاب	۱۵۴	شکر رنگ
۱۲	شمع قلك	۱۷۵	شکر ریز
۳۳۸	شمع کشتن - شمع خاموش کردن	۱۷۵	شکر سماع
۳۳۸	شمع نشستن - شمع مردن	۳۴	شکر لب
۳۲	شنا - شناوری - شنا	۲۲۰	شکر و قند شکستن
۲۵۴	شنگرف گون	۳۵۱	شکم بر پشت چسبیدن
۲۵۹	شنبیدن - شنواییدن	۲۵۸	شکم پر
۷۶	شوخ چشم - شوخ دیده	۷۰	شکم پرست - شکم پرور
۴۰۴	شور چشمی	۷۰	شکم چهارپهلوی کردن
۱۹۴	شوریده رأی	۱۴۵	شکم خاریدن
۱۹۴	شوریده جگر - شوریده دهان	۱	شکم داشتن
۲۵۰	شوم و نامبارک	۱۰۲	شکم در خویش دزدیدن
۳۱۰	شهر خموشان	۷۰	شکم ناف سقره کردن
۲۴	شیخ نجد - شیخ نجدی	۲۵۸	شکو خه خوردن اسب
۲۵۳	شیر انگور	۲۵۸	شکو خیدن
۲۷۱	شیر بریدن بجزیری	۲۵۷	شکوه کسی بردل داشتن
۳۱۹	شیر پولاد خای	۲۵۹	شگفتن گلهای
۱۷۵	شیر خام خوردن	۳۷۸	شگفته کردن دماغ

۲۶۶	صبح بخیر گفتن - صبح کنان	۲۸۳	شیر خدا
۲۶۵	صبح پسین	۳۱۹	شیر دل - شیر مرد - شیر افکن
۲۶۵	صبح ثانی - صبح دوم	۲۵۱	شیر سیاه
۳۴	صبح جبین - صبح چهره	۲۶۱	شیر شادروان
۲۸۲	صبح خیز	۹۱	شیر شدن موی
۲۸۲	صبح دل - صبح ضمیر	۲۶۱	شیر قالدین - شیر رایت
۲۶۴	صبح دروغ	۱۳	شیر گردون
۲۶۵	صبح راست - صبح راست خانه	۲۶۱	شیر نیستان
۱۲۷	صبح روان	۳۰	شیر و شکر بودن
۳۴	صبح رو - صبح رخسار	۱۶۸	شیرین کردن و شیرین شدن لب
۲۶۵	صبح صادق - صبح صداقت کیش	۴۱	شیشکی کردن
۳۴	صبح عارض	۵۰	شیشه بر سر بازار شکستن
۲۴۶	صبح کاذب	۵۰	شیشه بر سر کسی شکستن
۲۶۴	صبح ملمع نقاب	۳۹۴	شیشه بر سنگ آمدن
۲۶۴	صبح نخست - صبح یکم	۴۹	شیشه بر سنگ زدن
۲۴۸	صبح و مسا	۴۱	بند کردن
۲۶۳	صبر سنج	۳۸۳	شیشه در جگر شکستن
۲۶۳	صبر کردن	۴۰۱	شیشه دل - شیشه جان
۲۵۳	صحرای سیم	۲۸۶	شیطانی شدن
۱۹۰	صحن دورنگ	۲۶۰	شیفته چیزی بودن
۱۲	صحیفه زر		
۱۲	صدف آتشین		
۱۰	صدف مشکین رنگ	۵۸	صاحب دل
۲۶۷	صدمه و آسیب	۲۶۲	صاحب دولت و اقبال بودن
۲۶۷	صراحی و خم می	۳۳۳	صاحب سفران افلاک
۳۹	صرصر	۲۸۳	صاحب صفین
۲۹۸	صرفه برداشتن	۷۹	صاحب فراش
۲۸۳	صفدر	۵۵	صاحبی
۷۴	صفی الله	۲۶۶	صباح الخیر زدن
۲۸۲	صلاح کار	۱۳	صباغ الارض
۲۱۶	صورت بستن کار	۲۶۵	صبح آخرین

۱۳	طاوس مشرق خرام	۲۹۸	صورت بی‌معنی
۱۱۹	طایر قدس	۲۱۶	صورت دادن کار
۲۰۹	طبا نچه از روزگار خوردن	۲۰	صورت صبحگاهی
۱۹۴	طبع کافوری	۲۰	صورت نیم شبی
۲۷۰	طبع و طبیعت		ض
۲۷۰	طبق زن	۲۶۸	ضایع کردن اوقات
۲۳۶	طبق گل	۱۳	ضد خزان
۸۸	طبل زیر گلیم کشیدن	۳۹	ضربانم پر
۸۸	طبل در زیر گلیم پنهان زدن	۲۶۸	ضیافت خشک حمام
۸۷	طبل در زیر گلیم ماندن		ط
۴۸	طرح دادن	۹۴	طابق الفعل بالفعل
۲۷۱	طرح عمارت افکندن	۱۰	طارم اخضر - طاق منقش
۴۶	طرح کش	۱	طارم فیروزه
۱۳	طرف‌دار انجم	۱۰	طارم نیلگون
۳۷۰	طرف کسی گرفتن و داشتن	۱۳	طاس زر
۱۳	طشت نگون زر	۳۱۷	طاس سیمگون
۲۷۱	ظمن و ملامت کردن	۱۳	طاسک معصفر
۴۱۶	طفل بر در مسجد افکندن	۴۰۰	طاق ابرو نمودن
۴۱۶	طفل بر مسجد افکندن	۱۰	طاق فیروزه رنگ
۷۴	طفل چهل روزه	۱۰	طاق کله‌لی
۱۳	طفل خونین	۱۰	طاق لاجوردی
۲۷۱	طفل را از پستان بریدن	۱۰	طاق نیلوفری - طاق مقرنس
۲۵۳	طفل رزان - طفل شیمه رزان	۲۶۹	طالب دنیا
۲۷۱	طفل زیان دان	۲۶۹	طالع خوب نداشتن
۲۵۳	طفل شش ماهه رز	۱۰	طاوس آبگون - طاق خضرا
۲۷۳	طفل هندو	۱۳	طاوس آتش پر
۲۷۲	طلا و نقره ساختن	۳۸۹	طاوس پیران اخضر
۲۵۳	طلق روان	۱۱۹	طاوس سده آشیان
۲۷۲	طمطراق	۳۱۷	طاوس شب‌پیما
۲۷۲	طمع زیاده کردن	۱۱۹	طاوس عرش
۴۹	طبور از غلاف بیرون آوردن	۶	طاوس علوی آشیان

۲۸۰	عذر لنگ - عذر نامسموع	۳۱۶	طوطی زرین قفس
۲۸۱	عرش اعظم	۱۱۹	طوطی سدره نشین
۳۵۴	عرض عمر	۲۴۹	طوطی شکر خا
۸۰	عرق بروی کسی ریختن	۱۰	طوطی طاوس پر
۲۴۲	عرق ریختن - عرق راندن	۱۴۰	طه
۱۵۴	عرق گیر	۷۶	طهارت خانه - طهارت جای
۳۴۴	عروسان باغ وچمن	۱۷۵	طیب الادا
۱۳	عروس چرخ - عروس چهارم فلك		ظ
۲۵۳	عروس خاك	۲۷۳	ظالم وظلم
۱۸۹	عروس خشك پستان	۱۸۳	ظاهر کردن
۱۳	عروس روز	۲۷۴	ظاهر و نمودار شدن
۱۸۹	عروس شوی مرده	۳۷۱	ظرفش لبریز شد
۲۵۲	عروس صحرا	۳۷۱	ظرف لبریز شدن
۳۱۷	عروس عدن	۳۰۰	ظفر یافتن
۳۸۸	عروس عرب	۸۴	ظل الله - ظل سبحانی
۳۱۴	عروة الوثقی		ع
۲۸۱	عزت و اعتبار داشتن	۲۷۶	عاجز شدن - عاجز کردن
۲۸۲	عزرائیل علیه السلام	۱۶۳	عارضه افروختن
۲۸۲	عزت دوست - عزت گزین	۲۷۹	عارفان الهی
۲۷۵	عشق پیکان	۱۱۹	عاشقانه تختة عاج
۲۸۲	عشوه زن - عشوه ساز - عشوه گر	۲۷۵	عاشق - عاشق شدن
۳۴	عشوه گزین - عشوه پرداز	۲۷۸	عاقل و بزرگ
۱۸	عصا و پا افزار پیش نهادن	۱۸۹	عالم اسباب
۲۵۶	عصای آفتاب	۱۹۰	عالم کون - عالم مغری
۱۹۸	عطاردمنش	۱۱۵	عالمگیر
۲۶۵	عطسه شب	۲۷۹	عالی قدر
۲۸۲	عفو کردن	۱۳	عامل دریاوکان
۶۶	عفو کردن خون	۲۷۹	عداوت و بدخواهی
۲۸۲	عقیق و پارسا	۳۲۷	عذار قصی
۱۳	عقاب آتشین	۲۸۰	عذرخواهی - عذر خواه و عذر سنج
۳۹	عقاب طلعت	۲۸۰	عذر ساز - عذر آور
۴	عقد پستان		

فهرست

۲۷۵

۲۵۲	همی هر درد	۴۵	عقد مروارید
۱۳۰	عین الکمال	۷۲	عقد در کار افتادن
۱۹۲	عینک دور بین - عینک دور نما	۲۸۲	عقل
	ع	۱۱۹	عقل اول
۱۹۰	غار زرف	۴۵	عقیق ناب
۴۷	غاشیه بردوش	۲۸۳	عقیم
۴۶	غاشیه بردوش کشیدن	۲۸۳	علاقه و کاری بهم رسانیدن
۴۶	غاشیه در زیر بنل کشیدن	۱۴۰	علت اول
۲۸۹	غافل و غفلت	۲۵۳	علم افکندن
۲۸۸	غالب آمدن و شدن	۳۸۲	علم شدن
۲۸۹	غای شدن	۲۸۳	علی ابن ابی طالب
۱۵۸	غبار بر آوردن از چیزی	۱۱۵	عمر شکار
۸	غبار خاطر	۲۷۲	عمل شمسی و قمری
۱۰۸	غربال کردن	۱۱۰	عنان افکنده
۲۸۹	غروب شدن آفتاب	۲۸۴	عناصر اربعه
۲۹۰	غرور و نخوت	۳۶۰	عنان امل سبک کردن و شدن
۳۷۷	غریب	۲۹	عنان بر سر ستاره سودن
۳۵۶	غریب زاده	۱۱۰	عنان تیز شدن
۳۸۵	غزل خوان - غزل سرای	۲۹	عنان در عنان آسمان سودن
۲۴۹	غزل طراز - غزل پرداز	۱۰	عنان ریز رسیدن
۳۸۵	غزل گوی	۳۲۸	عنان گردش
۳۵۶	غلام باره	۱۱۰	عنان گرم کردن - عنان دادن
۲۹۲	غلام و فرمانبردار	۳۸۳	عنان گسسته
۲۹۲	غم - غمگین	۱۱۰	عنان گسسته رفتن
۲۵۹	غمزه نسرین - غمزه گل	۲۸۴	عنف و اشتلم کردن
۱۳۸	غنچه آب	۴۰۳	عناق شدن
۳۴۳	غنچه چیدن و شکستن و کندن	۲۸۵	عهد شکنی
۱۱۰	غنچه خاطر - غنچه دل	۲۸۵	عهد و پیمان
۳۴	غنچه دهن	۲۸۶	عیب برون آوردن
۳۹۴	غوزه در چشم کسی کردن	۳۴	عید روی
۲۸۸	غوره فشردن	۲۸۶	عیسی علیه السلام

۲۲۵	فرش مزعفر	۷۱	غوغایان گلین
۳۱۴	فرقان	۲۶۹	غولان روزگار
۳۰۶	فرمانبرداری	۲۹۳	غیبت کردن و بد گفتن
۳۷۱	فرمان رسیدن	۲۵۱	غیوران شب
۴۷	فرمان نیوشی		ف
۲۶۳	فرو خوردن	۲۹۸	فاحشه و بدکار
۳۷۱	فرو شدن مهروروز	۲۹۷	فاسق و فاجر
۳۸۶	فرباد خواء - فرباد خوان	۲۹۵	فاش کردن - فاش شدن
۳۰۰	فربب دادن و مکار	۲۵۹	فال برداشتن و دیدن و گشودن
۳۰۶	فسق و فجور	۲۵۹	فال گرفتن - فال زدن
۱۱۰	فتاح در کوزه بودن	۹	فانوس خیال
۳۰۶	فکر و پربشانی	۹	فانوس گردان
۳۹۴	فلان چیز بگیر آوردم	۲۹۸	فایده عظیم برداشتن
۳۸۰	فلانه قدم بقدم فلانه میگذارد	۳۰۰	فتح یافتن به حریف
۶۶	فلانی بحرف من نمیباشد	۳۰۰	فتنه را کمر گشادن
۳۵۷	فلانی پیشانی این کار ندارد	۲۹۹	فتنه و شورش انگیزستن
۲۸۹	فلانی چشم خود را خوابانیده است	۳۱۳	فدا کردن
۸۷	فلانی لگد بخت خورده است	۱۲۶	فراخ آستین
۳۳۴	فلفل بهندوستان بردن	۱۲۲	فراخ رفتن
۳۸۳	فلفل در آتش افکندن	۳۷۹	فراخ رو - فراخ روی
۳۸۲	فلك آوازه	۳۰۶	فراخ دستی
۳۱	فلك اندازه کردن	۳۰۵	فربه
۲۸۱	فلك الافلاك	۳۹	فربه سرین - فراخ کفل
۱۲۲	فلك سیر	۳۱۰	فرجام گاه
۳۰۶	فندق بستن	۴۲۵	فردنوا
۷۴	فندق شکستن	۷۳	فردوس
۳۰۶	فندقی کردن	۳۰۵	فرزند
۱۸۴	فوطه ربایان	۳۵۵	ب
۱۸۹	فیروزه خاك	۲۲۵	فرش باستان
۱۰	فیروزه خم	۲۲۵	فرش خاك
۱۰	فیروزه دریا	۲۲۵	فرش مدور
۱۰	فیروزه ردا		

فهرست

۳۲۳	قدائف چون میم کردن	۱۰	فیروزه سغف
۹۳	قدح	۳۰۷	فیض برداشتن
۱۰	قدح لاجوردی		ق
۳۷۱	قدم ازجان بر آوردن	۳۰۸	قادر انداز - قدر انداز
۱۰۲	قدم ازجای بریدن	۳۰۸	قادر دست
۳۷۱	قدم بر سر کار خود نهادن	۲۷۶	قافیه تنگ شدن
۱۰۲	قدم بر سر کاری نهادن	۲۴۹	قافیه سنج
۲۲۵	قدم خاک	۳۵۱	قاق - (نان خشک)
۲۰۱	قدم زدن - قدم سنجیدن و کشیدن	۳۰۸	قالب آدمی
۳۱۱	قدم رنجه شدن	۲۷۱	قالب تهی کردن
۲۰۱	قدم گشودن - قدم گشادن	۱۱۸	قبا بر قامت یا بر قد دوختن
۱۲۲	قدم گلبانگ زدن	۳۰۸	قباق افکنی
۳۱۱	قدم مشوق	۱۰	قبای زربفت
۱۸۰	قرابه بردار	۳۰۹	قبای صورت
۱۲	قرابه زرین	۱۰	قبای کجلی
۳۱۳	قرار گرفتن در جای	۳۱۰	قبر - قبرستان
۳۱۵	قرآن فرو خوردن	۳۰۸	قبوق انداز
۳۱۴	قرآن مجید	۵	قبله دهقان
۳۱۲	قریان شدن و نثار کردن	۵	قبله زردشتیان
۱۳	قرص زر	۵	قبله گاه مجوس
۳۱۷	قرص سیمین	۳۰۹	قبول کردن و رضا دادن
۳۱۵	قرص گرم و سرد	۸۳	قبه
۱۳	قرص هفت دره	۱۳۸	قبه آب
۳۱۳	قرض کردن و دادن	۱۰	قبه زبرجدی
۱۹۶	قرمساق	۱۰	قبه زربفت
۳۱۵	قز اغند - قز اگند - قز اگنگ	۱۳	قبه زرین
۳۱۵	قسم خوردن معصوم	۱۰	قبه علیا
۲۵۶	قصب مصری	۱۰	قبه گردنده
۳۳۰	قصه دراز کردن	۱۶۲	قبه مینا
۳۱۵	قصه کوتاه	۳۷۱	قحط
			قحط در علف خانه افتادن

۳۱۹	قوی وقادر بر هر چیز	۱۳	قطره آب
۳۲۰	قیامت	۳۹	قطره دزد
۲۵۱	قیبر	۱۲۲	قطره زدن
۳۲۰	قیصر	۱۳	قطره زر
	ک	۳۲۸	قطره زن
۳۲۵	کاج-کاش-کاشکی	۳۸۶	قفا گیر
۲۷۸	کار آگاه - کارشناس	۴۱۴	قنای فلك
۳۲۶	کار از کار گذشتن	۱۰	قفس سیمایی
۳۲۶	کار از هم گذشتن	۳۱۶	قفل بر لب خود نهادن
۳۲۶	کار افتادن و داشتن	۳۱۶	قفل بر زبان کسی زدن
۱	کار افتاده	۳۷۱	قفیز بر آمدن
۲۱۶	کار بالا گرفتن	۳۱۶	قفتس
۲۷۶	کار بحیص و بیص افتادن	۱۹۶	قفتبان
۳۰۳	کار بگوشه چیدن	۱۲۶	قلم پنج شاخ
۱۳۶	کار تمام شدن	۱۰	قلم نگون
۱۹۰	کارخانه فلك !	۳۱۷	قلعه بیدر
۴	کار تنگ کردن و آوردن	۱۹۰	قلعه کهر با گون
۲۰۹	کار د از گوشت گذشتن	۳۱۶	قلقل مینا
۲۷۸	کار دان - کار سنج	۳۱۶	قلم
۴	کار دراز کردن و گرفتن	۳۱۶	قلندر
۲۰۸	کار د با سخوان رسیدن	۳۱۷	قمر
۴	کار در پا افکندن	۳۹	قمر سم
۴	کار سخت گرفتن	۳۱۸	قناعت و توکل
۳۲۵	کار عمده کردن	۱۳	قندیل چرخ
۱۰-۱۹۰	کار گاه فلك	۲۵۱	قندیل شب
۳۲۵	کارگر ماهر در هر صنعتی	۱۳	قندیل عیسی
۳۲۵	کار مشکل پیش نهادن	۱۹۶	قوادی
۲۵۲	کاری !	۳۱۹	قوت و توانائی
۷۲	کاسه شدن بازار	۳۱۹	قوس فزح
۴۵	کاسه آب	۳۱۹	قوی پشت
۱۴۵	کاسه باز	۳۹	قوی قوایم

فهرست

۴۷۹

۱۰	کبود طشت - کبود غدیر	۲۹۵
۶۷	کج معامله - کج بیخ - کج باز	۳۳۷
۷۱	کج نشستن	۱۷۳
۳۲۹	کدخدا	۴۲۴
۱۲	کدوی زرنگار	۱۰
۳۲۹	کر - ناشنوا	۱۵۷
۲۲۵	کرسی خاک	۳۳۷
۱۹۰	کرسی شش گوشه	۳۳۷
۳۲۹	کرسی نشین کردن حرف	۱۰
۳۲۹	کرگدن	۳۳۷
۲۸۶	کرم پلاس بودن	۱۷۳
۱۲۶	کرم پیشه	۱۵۸
۳۳۰	کسب باد کردن	۳۲۷
۳۳۰	کسب هوا کردن	۳۲۷
۱۹۶	کس دمزن	۵۷
۱۹۶	کس کباب	۱۴۰
۲۸۴	کس کباب خوردن	۳۲۷
۱۹۶	کس کش	۳۲۶
۲۹۵	کس و کاسه بر طبق عرض نهادن	۲۵
۳۳۰	کشتن و کشته شدن	۸۲
۹۳	کشتی دریافشان	۲۵
۱۸۰	کشتی کش	۳۲۸
۱۲۴	کشیدن	۳۲۸
۱۸۵	کف دعا برداشتن	۳۲۶
۱۸۵	کف در دعا آوردن	۲۲۷
۲۱۴	کفرو اسلام	۱۳۶
۳۳۱	کف زدن	۲۰۶
۳۳۱	کفش آهو	۲۶۰
۱۴۵	کفش پوش	۳۲۸
۳۰	کفش پوشان	۱۰
۱۵۷	کفش پیش پای کسی گذاشتن	

کاسه بر سر شکستن
کاسه بر کف داشتن
کاسه بند کردن
کاسه بهم خوردن و برهم زدن
کاسه پشت
کاسه پیش کسی بند کردن
کاسه پیش کسی نهادن
کاسه پیش کف کسی داشتن
کاسه سرنگون
کاسه گردان
کاسه لیس
کاسه و کوزه شکستن
کاغذ
کاغذ باد - کاغذ هوایی
کافران
کاف لولاک
کافور خشک
کافور خوردن
کاکل شمع
کالای بی قیمت
کانا
کاه دادن اسب
کاه اگر از تونسیت کاهدان از تست
کاه پارینه بباد دادن
کاه در دهن گرفتن
کام بر آمدن
کام خاریدن
کبار نیزی بودن
کبوتر دو برجه - کبوتر دو بامه
کبود پشت - کبود حصار

۳۴۸	کنج عرلت	۱۷	کفش خواستن
۱۰۸	کنج کاوی	۳۲	کفش پاوه کردن
۷۲	کنشدن بازار	۱۸۵	کف نیاز برداشتن
۳۳۲	کند فهم - کج طبع	۲۸۰	کفن وتیغ بدست گرفته آمدن
۳۸۲	کنگاش - کنگاج	۱۶۱	کلاغ بر بامش هرگز نمی نشیند
۲۸۳	کننده خیبر	۲۷۱	کلاغ گرفتن - کلاغ زدن
۳۳۳	کواکب سبه	۳۳۱	کلام سر بسته و مفلق
۳۹	کوته سم	۱۹۸	کلاه انداختن و بر انداختن
۱۴۸	کوته شدن زبان	۱۹۸	کلاه بر آسمان پرا افکندن
۳۳۳	کوچه خطر	۱۹۸	کلاه بر هوا افکندن
۳۱۰	کوچه خموشان	۲۷۶	کلاه پیش کسی نهادن
۳۳۵	کوچه لولیان - کوچه نو	۱۹۸	کلاهش در هوا میرقصد
۳۳۳	کوچه هفت ها - کوچه باستان	۸۸	کلوخ بر لب مالیدن و زدن
۳۳۲	کور باطن	۱۲۶	کلوخ در آب افکندن
۳۳۲	کوردل - کورفهم	۳۶۹	کلوخ راه
۳۳۳	کورذوق	۱۶	کله
۳۳۲	کوریک چشم	۱۰	کله خضرا - کله دخان
۳۳۳	کوزپشت	۱۳	کلیچه زر - کلاه زر
۳۸۰	کوس زدن یا کسی	۳۹۵	کلیم الله
۱۷	کوس فرو کوفتن	۲۷۶	کمان افکندن
۳۳۴	کوشش بیغایده کردن	۳۱۹	کمان بهمین - کمان رستم
۷	کوفته خاطر	۳۱۹	کمان رنگین
۱۹۶	کوفته خوار	۳۱۹	کمان چرخ - کمان شیطان
۹۳	کوکب	۳۹۶	کمر درکاری بستن
۱۰۶	کون جنبا نیدن	۱۱	کمر راست کردن - کمر سیخ کردن
۸۷	کون خاریدن	۱۰۰	کمر گشادن - کمر یاز کردن
۲۵	کون خر	۱۰۰	کمر گسستن
۱۴۴	کون خری	۳۳۲	کمر معشوق
۳۵۶	کون دادن	۳۳۱	کم سخن
۷۶	کون سوخته	۱۶۱	کم کاسه
۳۹	کوه پیکر	۶	کناره خشک داشتن

۴۸۱			فهرست
۲۷۹	گرانقدر	۲۵۲	کوه جگر
۵۰	گریه از بغل افکندن	۲۷۹	کوه وقار
۲۰۰	گریه در انبان داشتن	۳۳۳	کوهی هفت رها
۲۰۰	گریه در بغل داشتن	۳۳۳	کهن خرابات - کهن دیر
۲۹۵	گریه در شلوار و تنبان	۳۰۰	کهن دامی
۹۲	گرداب	۹۱	کهن سال
۱۵۸	گرد بر آوردن از چیزی	۱۹۲	کهن کیسه
۲۴۱	گرد سر کسی گردیدن	۲۵۲	کجه سوار
۲۹	گرد شکم	۳۳۶	کیرکاشی
۲۹۶	گردکاری گشتن	۳۸۳	کیک در پاچه
۴۰۲	گردکان بر گنبد	۳۸۲	کیک در شلوار و گریبان
۲۵۲	گردنان	۳۳۵	کینه خواه - کینه کش - کینه سنج
۳۴۲	گردنان نظم	۳۳۵	کینه ورزیدن
۱۴۵	گردن بناخن خاریدن	۲۵۲	کیمیای جان
۱۴۵	گردن خاریدن		
۲۴۱	گردن شخ		گی
۲۴۱	گردن کش	۱۵۸	گاوه در خرمن کرد
۲۴۲	گردنکشان نظم	۲۳۷	گاوه در خرمن کردن و بودن
۲۴	گردن مشوق	۲۵	گاوریش
۹	گردون	۳۳۷	گاو زمین - گاوشیری
۲۴۱	گردون سرشت	۲۵	گاو کون - گاودل - گاوزهره
۲۷۹	گردون عمت	۳۳۷	گاه بگاه - گاه بیگاه
۲۸۱	گرزان	۳۳۷	گدا - گدائی کردن
۱۶۱	گرسنه چشم	۳۷۱	گذشتی
۳۹۰	گرسنه دل	۱	گران بار شدن
۳۳۸	گرفتن جواغ	۷۹	گران بودن بیمار
۷	گرفتن دل	۲۴۲	گران یای
۳۳۸	گرفتن و کشتن جواغ	۲۴۲	گران جان - گران خیز
۱۴۸	گرفته لب	۲۴۲	گران سرشت
۳۴۱	گرگ آشنی	۲۴۲	گران سرین
۸	گرگ باران دیده	۳۲۹	گران شدن گوش

۲۶۲	گشادن و گشودن بخت	۸	گرگ باران دیده
۲۵۳	گشنیز خضرم	۳۱۹	گرگ سیمین نم
۴۵	گلاب چشم	۱۰	گرگ فسونگر
۳۴۳	گل اقتادن در چشم	۱۹۰	گرگ فتنه گر
۳۲۷	گل بادام	۸	گرگ کهن
۳۳۴	گل بگلستان بردن	۳۰	گرم جوشی
۵۵	گل تسمیح - گل سبوحه	۲۹۰	گرم دماغی
۳۴۳	گل چشم - گل دیده	۴۱۴	گرم و سرد چرخ
۱۰۹	گلچیدن	۲۷۸	گرم و سرد دیده
۳۴۳	گلخن	۸	گرم و سرد زمانه دیده
۲۹۹	گل در آب افکندن	۳۳۹	گرمی
۳۳۸	گل در چراغ افکندن	۱۶۳	گرمی کردن
۲۷۴	گل شدن و کردن	۲۸۸	گرو بردن
۵۳	گل شکفت	۳۳۴	گروه پیاد زدن
۶۴	گلشن آراجم - گلشن طراز	۱۸۴	گروه بر
۳۴۴	گل غنچه - گنجره و گنجر	۲۸	گروه برابر و زدن
۱۹۸	گلگل شکفتن	۶۶	گروه بر گوش زدن
۳۴۴	گله ادیم آدم	۳۷۳	گریبان دامن کردن
۲۵۳	گل نشاط	۳۴۱	گریختن
۳۴۳	گل و غنچه از درخت چیدن	۳۴۲	گریستن
۳۴۴	گل ولاله زار	۲۵۹	گریستن چشم آینه
۱۴۸	گلوی لب گرفتن	۳۴۳	گریستن هوا
۳۲	گلم از آب و موج بیرون آوردن	۴۶	گریه شادی
۲۲۵	گلین گوی	۷۶	گستاخ و
۳۴۵	گم کردن	۷	گستردل
۳۴۶	گناه بخشیدن	۳۴۳	گسته میار
۲۵۷	گناه کسی از کسی حواسن	۴۲۲	گسته نور
۱۳۸	گنبد آ	۱۹۸	گشاد
۱۰	تبدیافت	۱۳۶	گشاد کار - گشوده کار
۱۰	گنبد جان ستان	۱۲۶	گشاده دل - گشاده کف
		۲۲۰	گشاده زبان

۱۸۲	گوش زدن با کسی	۱۰	گنبد دولاب رنگه
۹۳	گوش ماهی	۳۴۵	گنبد زدن و کردن
۴۲۲	گوشواره فلك	۱۰	گنبد زرنکار
۱۶۳	گوشه ابرو تمش کردن	۱۰	گنبد صوفی لباس
۱۶۳	گوشه ابرو گره بستن	۱۰	گنبد طاق دیس
۲۴۸	گوشه باغی گ-فتن	۱۰	گنبد فیروزه
۳۱۷	گوشه جام شکسته	۹۳	گنبد گل
۳۴۸	گوشه نشین- گوشه گزین	۱۰	گنبد مقرنس
۳۴۸	گوشه نشینی و تجرد	۳۴۵	گنبدی کردن
۳۰۰	گول زدن - گول خوردن	۳۶۳	گنج آب آورده
۴۵	گوهر	۳۱۴	گنج الهی
۲۲۰	گوهر تر	۳۶۳	گنج باد آورد
۱۴۰	گوهر خانه خیز	۳۴۶	گنج حکیم
۲۸۶	گویای گهواره و عهد	۷۴	گنج خاکی
۲۸۸	گوی بردن	۳۶۳	گنج شایگان
۱۲۶	گبرودار	۳۴۶	گنججور
	ل	۳۴۵	گندم گون و گندمی رنگ
۱۰	لا حوردی سقف	۲۱۶	گندم نمای جو فروش
۱۰	لاجوردینه خم	۳۴۷	گنده دماغ - گنده مغز
۳۵۱	لاغر شدن	۳۴۷	گنده دهان
۳۹	لاغر میان	۳۴۸	گنگ دژ هخت - گنگ دژ هوخت
۳۵۰	لاف باف - لاف پیمای	۳۴۸	گنگ دژ هوج
۳۵۰	لاف زن - لاف سنج - لاف پاش	۳۱۶	گنگ سخن چین
۳۵۰	لاف و گزاف زدن	۳۴۹	گواه آوردن - گواه کشیدن
۱۳	لاله زرد	۳۹	گوزن سرین
۱۹۴	لا معلوم	۳۴۸	گوش
۱۲	لانه	۳۲۹	گوش افتادن
۲۵۱	لای سیه	۳۹۰	گوش بر صدا - گوش بر در
۳۵۱	لب	۳۹۰	گوش بر اه
۳۵۴	لباس عاتم پوشیدن	۱۱۲	گوش خاریدن
۲۵۶	لب آفتاب	۲۶۰	گوش دادن - گوش انداختن

۲۴۱	لگام خائیدن و انداختن	۱۶۳	لب بدن‌دان گرفتن و زدن
۱۲۳	لگام ریز	۲۹۰	لب بز زدن
۱۲۶	لگد بر گور حاتم زدن	۱۰۸	لب بلب جستن
۳۵۵	لگد زدن	۱۴۸	لب ته دندان کشیدن - لب بستن
۱۰	لگد زمردین	۲۵۹	لب جستن
۳۸۳	لنگر از کف دادن	۱۵۴	لب خائیدن
۲۳	لنگر انداختن	۳۵۷	لب داشتن - لب و دندان داشتن
۳۸۳	لنگر نگاه داشتن	۱۴۸	لب ز دندان کشیدن
۱۰۰	لنگوته بستن	۱۴۸-۱۸۶	لب زدن
۳۵۶	لواحت و اغلام	۹۸	لب سفید کردن
۲۲۰	لوترا - لوتره	۹۸	لب شیرین کردن
۳۵۶	لوح	۱۴۸	لب کسی گرفتن
۴۵	لؤلؤی تر	۸۷-۳۹۳	لب گزیدن
۳۵۵	لولی خانه	۳۵۱	لب معشوق
۳۵۶	لولی زاده	۳۵۴	لب نو خط محبوب
۳۵۷	لیاقت و شایستگی	۷۰	لقبان و لقب‌ها
		۸۸	لحاف چشم
		۸۵	لخت لخت
۳۶۱	ماتم - عزاداری	۳۵۴	لذت عمر
۳۶۰	ماحضر - حاضر	۲۵۱	لشکر
۳۶۲	ما خود شدن بحساب	۲۵۳	لعاب روان
۱۸۶	مادر بنحط	۲۴۲	لعاب شمس
۲۰۸	مار خوردن	۱۳	لعاب فلک
۲۷۹	مار در پیرهن	۱۳	لعاب که
۳۶۱	مار گزیده از ریسمان میترسد	۲۵۳	لعاب لعل
۳۰۰	مار گیری	۲۵۲	لعاب مذاب
۴۱۱	مار مصری	۳۷۳	لعبتان دیده
۱۶۱	ماکیان برد کردن	۴۵	لعل تر - لعل حل شده
۳۶۳	مال مفت	۱۷	لعل سیماب ریز
۳۶۲	مال و متاع دنیا	۳۵۵	لعل و یاقوت و الماس و زر
۳۱۷	مانگه - ماج	۳۸۸	لقمه آهن کشیدن
۴۲۲	ماه چهار هفته		

فهرست

۴۸۵			
۳۴	محضر بر آب نوشتن	۹۳	ماه دوهفته
۳۸۶	محك	۴۲۲	ماه يكشنبه و يك شب
۱۳۸	محك زرايمان	۳۶۰	مايوس ساختن و شدن
۳۶۸	محو و ناپديد شدن - محو کردن	۲۶۲	مايه دار
۳۶۹	مخل صحبت - مخل كار	۲۵۱	مايه شب
۱۶۱	مدخل	۳۸۹	مبادى عاليه
۳۷۰	مدد و قوت يافتن	۳۶۴	مباركباد
۳۷۳	مراقبه کردن	۱۲۴	مباشرت
۳۸۸	مربع خانه نور	۳۶۵	مبتلا شدن بيلائي
۴۵	مرجان	۳۷۹	مبذر
۱۷۸	مرحبا - مرخيازدن	۲۸۶	مبشر بنام
۳۷۳	مردم چشم	۱۶	متاع غرقى
۳۷۱	مردن - موت	۳۶۷	متبنى کردن
۵	مرغ آفتاب علم	۲۶۷	متراب شدن كار
۳۸۹	مرغان اولى اجنحه	۳۸۳	متشنت الحال
۳۸۹	مرغان شاخ سدره	۳۶۷	متفرق و پريشان شدن
۳۸۹	مرغان عرشى	۳۶۶	متكبر و مغرور بودن
۱۳	مرغ بهروزي	۳۶۷	متوجه و مشغول شدن
۷۱	مرغ جمن	۳۸۳	متوزع القلب
۷۱	مرغ خوش الحان	۷۶	متوضى
۷۳	مرغزاد عقبي	۳۶۶	متهم ساختن - متهم شدن
۳۱۷	مرغ شب	۱۲۴	مجامعت
۷۱	مرغ سحر (خوان)	۱۴۴	محاسن از آسيا سفيد کردن
۷۱	مرغ شبخوان	۳۶۸	محاظت کردن
۷۱	مرغ صبح خوان	۱۴۰	محبوب
۳۰۵	مرطوبى	۳۶۸	محتلم شدن
۲۵۰	مرغ عيسى - مرغ مسيحي	۵-۱۳	محراب جمشيد
۵	مرغ ياقوت پر	۳۳۳	محرران افلاك
۱۲۶	مركب حويين	۳۴	محرر پناه - محشر خرام
۳۷۴	مركب بيحسد	۳۳۴	محشر قد
۳۷۴	مرگ		

۳۴	مشکین خط - مشکین عذار	۱۱۵	مرگ تابنده
۳۴	مشکین کلاله - مشکین کمند	۴۲۰	مزاج - مزاجت
۳۴	مشکین نقاب	۳۱۰	مزرع خاک
۹۳	مصباح	۱۹۰	مزرع دانه سوز
۳۱۵	مصحف فرو خوردن	۳۷۵	مژگان (معشوق)
۴۱۱	مصحف نه جلد	۲۵۶	مژگان خورشید
۳۸۳	مضطرب - سراسیمه	۹۱	مژگان سفید کردن
۳۳۱	مضمون سر بسته	۳۷۷	مضامیر
۳۸۵	مطالعه کردن کتاب	۳۸۰	مساوات و برابری
۴۲۰	مطایبه و مذاق	۳۸۹	مسبحان علاء علی
۱۳	مطبخی فلک	۷۶	مستراح
۳۸۵	مطرب	۳۷۸	مستی - مست شدن
۳۸۵	مطلق العنان	۳۷۹	مسرف - فضول خرج
۳۸۴	مصیع زن بودن	۱۵۸	مسمار کردن
۳۸۶	مظلوم و دادخواه	۱۹۰	مسند آسودگان
۳۸۷	مدوم العوض	۳۷۸	مسوده را صاف نمودن
۷۰	مده تنگ کردن	۲۸۶	مسیح
۱۸۹	معشوق تنگدل	۲۲۵	ت خاک
۲۴	معلم الملايك	۳۸۱	مشتری
۲۴۹	معنی گستر	۳۸۱	مشتلق
۳۸۶	معیار	۳۳۳	مشعبدان حقه باز
۳۰۸	مغاک ظلمت خاک	۳۹۶	مشعبدان حقه سبز
۲۵	مغز حر خورده است	۱۳	مشعل خاوری
۱۴۸	مغز دوسر کردن	۱۳	مشعل روز
۳۴۲	مغز دیده بر مژگان دویدن	۱۳	مشعل گیتی افروز
۲۵	مغز سر ندارد	۹۸	مشك برداغ بستن
۳۸۶	مغشوش و دغل بودن	۲۵۱	مشك تر
۱۱۵	مغفر شکاف	۵۷	مشك چرمی
۳۸۷	مفقود البذل	۷۹	مشك در شراب کردن
۳۸۷	مفلس و محتاج	۹۱	مشك را کافور کردن
۵۵	مقرئ سبحة	۱۲۴	مشك قر و نشان

فهرست

۴۸۷

۳۸۳	مودر پیراهن ریختن	۱۴۰	متصود کن فکان
۳۰	مودرمیان نکتنجیدن	۳۸۸	مقید و گرفتار
۳۶۵	مورد و طاس افتادن	۱۲۲	مکافات اعمال
۳۴	مورمیان - موی میان		مکر بر آب زدن
۳۸۳	موزه درپای در آوردن	۴۰۳	مکفوف البصر
۳۸۸	موزه در گل ماندن	۳۸۸	مکه معظمه
۳۹۵	موسی علیه السلام	۵۵	ملاحی
۱۵۸	موش در انبان داشتن	۳۸۹	ملاقات کردن
۲۹۹	موشک دوانی	۳۸۹	ملائکه
۳۶۹	موی بینی - موی دماغ	۲۱۶	ملمع کار (شیطانوی)
۳۹۵	موی چینی و کاسه		ملك الموت
۳۸۳	موی زنج کشیدن	۲۸۲	ملك نهاد - ملك سرشت
۳۴	موی میان	۲۸۲	ملکه نوشت و خواند بهمرسانیدن
۱۱۹	نهایرت	۳۹۰	ملهم سبب
۴۷	نهار در بینی کردن	۴۱۸	منازل شناسان
۲۷۵	پرست	۲۷۹	منافق سد
۲۵۵	مهبجت الاحجار	۳۹۴	منبر نه پایه
۱۳	مهردهان روزه داران	۲۸۱	منبل
۳۹۶	مهر و ماه	۲۴۲	مننظر و مشتاق
۱۰	مهره	۳۹۰	منجم
۲۷۶	مهره از کف بیرون فشاندن	۳۹۳	منزل شناسان پی گم کرده
۱۳۶	مهره از کمین بیرون جهانندن	۲۷۹	منزل کردن
۱۶	مهره بطاس انداختن	۳۹۳	منع کردن
۲۲۵	مهره حقه - مهره مشکین	۳۹۳	منقص شدن و کردن عیش
۲۲۵	مهره خاک - مهره گلین	۳۹۴	منقار گل
۱۶	مهره در جام انداختن	۲۱۹	می
۲۷۷	مهره در شش در شدن	۳۹۴	مواد ناخی بر آمدن
۱۳	مهره زر	۵۳	موافقت کردن یا کسی
۳۱۷	مهره سبم	۳۹۵	موالید ثلاثه
۱۰	مهره لاجورد	۳۹۵	مویبر اندام خاستن
۲۷۶	مهره مالیدن	۱۰۲	

۴۸	ناخن (بهم) زدن	۱۹۰	مهره مشکین
۱۳۸	ناخن تیز کردن	۳۹۶	مهمیز
۲۵۷	ناخن خورشید و آفتاب	۳۹۶	مهیا و آماده شدن
۱۰۴	ناخن فرو کردن در جگر	۵۷	میان پا - میان پاچه - میان ران
۴۲۲	ناخن چشم شب	۳۷۰	میان دادن
۸۴	نارباغ سینه	۱۹۶	میان داری
۳۵۲	ناردان	۳۹۷	میخانه
۱۹۱	ناردانه	۳۷۱	میدان سرآمدن
۳۴۲	ناروناردان افشاندن	۲۲۵	میدان خاک و خاکی
۳۴	نارون قد - نارون بالا	۱۰۶	میدان دادن
۴۰۱	نازک بدن - نازک مزاج	۳۲۸	میدان عاج
۲۷۹	نازک خیالان	۲۲۵	میدان قراخ
۳۱۱	نازک - ناز آفرین	۲۵۲	می دیناری
۴۱۱	نازک و نازنین	۳۹۷	میسر شدن و ممکن بودن
۴۱۱	نازله	۲۶۴	میل صبح
۴۰۰	ناز و کرشمه	۱۶	میم مطوق - میم حلقه دار
۴۵	ناسفته		
۲۷۰	ناشاد		ن
۴۰۳	ناشنیده انگاشتن	۳۳۳	نابینا
۳۸۹	ناصبه داران پاک	۴۰۲	نابینای مادرزاد
۳۸۸	ناف ارض - ناف زمین	۴۰۲	ناپایداری
۳۹۸	ناف اقتادن	۴۰۳	ناپدید شدن
۳۹۸	ناف پوچیدن و گسیختن	۸۲	ناتراش - ناتراشیده
۳۳۰	ناف تراشیدن	۱۳۲	ناتوان
۳۸۸	ناف خاک - ناف عالم	۴۲۲	ناخن - ناخنه
۲۲۲	نافه - نافه گشا	۳۷۵	ناخن باز
۳۴۷	نافه بوی	۱۰۵	ناخن بدندان
۱۵۱	نافه مشک	۲۸۳	ناخن بند کردن و بند بودن بر چیزی
۳۸۲	نافه مشک یافتن	۵۸	ناخن در دیده ریختن
۹۱	نافه موی	۴۸	ناخن دل
۴۰۲	ناقص چشم	۱۳	ناخن روز

۱۵۷	تبايد	۳۹۹	ناکس - نااهل - ناسزا
۲۵۶	نبض خورشيد	۳۵۲	نالۀ زيب
۲۴	نجدی	۳۶۸	نام ازجهان برداشتن و ستودن
۱۹۱	نخچه	۲۶۸	نام ازشکم افتادن
۳۱۱	نخل	۳۶۸	نام ازعالم تهی کردن
۳۰۰	نرد دعا يا ختن	۳۸۲	نام برآمدن بر آفاق
۱۳۲	نرگس	۳۸۲	نام بر آوردن
۱۳۲	نرگس بيمار و طناز - نرگس بند	۳۶۸	نام بر کنار گرفتن
۱۳۲	نرگس خواب آلود - نرگس سپه خواب	۳۸۲	نام پهن شدن در اطراف
۱۳۲	نرگس شيبلا - نرگس گویا	۳۶۸	نام در آب فروشدن
۱۳۲	نرگس نيلو قری - نرگس نیم خواب	۳۸۲	نام رفتن در فلک
۷۶	نرم چشم	۳۶۸	نام زیر و زبر کردن
۴۵	نسترن	۳۸۲	نام گستریدن و گرفتن
۱۶۶	نسخه کتاب	۳۶۸	نام مردن
۱۹۱	نسرین	۱۶۶	نامۀ سر بسته
۲۴-۴۱۴	نسرین بدن	۵۳	نان از تنور سرد بیرون آوردن
۳۴	نسرین بر - نسرین تن	۳۶۰	نان بون افتادن
۳۴	نسرین بنا گوش - نسرین عذار	۱۶۱	نان بر شیشه مالیدن
۳۴	نسرین رخ - نسرین روی	۱۳۶	نان بروغن افتادن
۳۴	نسرین سرین	۱۶۱	نان خودش بگلو فرو نمرود
۲۵۳	نسل ادهم	۴۰۸	نان خوردن و نمکدان شکستن
۳۰۳	نسباً منسیاً	۳۳۷	نان خوری
۱۵۱	نشان (صفت خال)	۱۶۱	نان در آستین خوردن
۳۷۵	نظاره پیوند	۳۰۶	نان در انبان یافتن
۴۰۴	نظربد	۳۰۶	نان فلانی پخته است
۵۱	نعل بریدن	۱۶۱	نان کور
۴۹	نعل در آتش نهادن	۴۰۰	نان وقت خوردن
۴-۵	نعل و ازون زدن و بستن	۱۳۲	ناوك انداز
۴۰۵	نفس - نفس (بفتح اول و دوم)	۸۲	ناهموار - ناقره حجه
۱۱	نفس درست کردن	۱۶۶	نبات
۱۴۸	نفس دزدیدن	۱۶۶	نبات آسمانی
۱۱	نفس راست کردن		

۱۵۱-۳۵۲	نمکدان	۲۰۹	نفس سوختن
۴۲۴	نمکدان افکندن	۱۴۸	نفس سوخته و گسسته
۱۳	نمکدان زرد	۲۰۹	نفس کش
۴۲۴	نمک در آتش افکندن	۱۰	نقاب خضرا
۳۵۱	نمکین	۴۶	نقاب روی بنده
۳۷۵	نمناک	۲۵۱	نقاب نیلی
۲۶	نم ندارد - نم در جگر ندارد	۳۳۲	نقد
۳۸۵	نوا - نوح - نواشناس - نواپراز	۴۱۴	نقره خام
۱۶۶	نودمیده	۳۳۴-۴۰۲	نقش بر آب
۱۹۱	نور	۳۸۳	نقش دیوار
۲۰۳	نور چراغ	۳۳۵	نقش کسی داشتن
۳۰۵	نور چشم	۲۸۵	نقض العهد - نقض پیمان
۲۵۵-۳۵۲	نورس - نوخط	۳۵۲	نقطه
۲۶۵	نور علم	۱۵۱	نقطه انتخاب
۴۰۹	نوشتن	۱۴۰	نقطه دایره و نه دایره
۹۸-۳۵۲	نوشتند	۱۹۴	نقطه لعل و یاقوت
۳۵۱	نوشدارو	۱۹۴	نقطه موهوم - نقطه خیال
۳۵۲	نوش لب	۱۳	نقطه یاقوت
۴۰۹	نوشین	۱۸۲	نکنه بازی
۴۱۱	نه بال طوسی - نه دائره بالا	۲۷۰-۳۵۲	نکنه سنج
۴۱۱	نه چوگان - نه خرگاه - نه خران	۲۸۵	نکت
۴۱۱	نه خیمه - نه لکن - نه قلعه مینا	۴۱۱	نکومحضر - نیکومحضر
۴۱۱	نه سبزه زار	۴۰۶	نکوئی کردن و در آب انداختن
۴۱۱	نه طارم شش روزه - نه بام	۲۰۴	نگارخانه چین
۴۱۱	نه فلک - نه خم فیروزه	۹۰-۲۳۲	نگارین
۴۱۱	نه قصر - نه حصار مینا - نه پندر	۴۰۶	نگاه (معشوق)
۴۱۱	نه سرعی - نه سقف بیستون - نه طاق	۷۶	نگاه خرابی
۴۱۰	نه نور گوهر	۳۰۰	نمد در آب داشتن
۸۸	نیام چشم	۱۳۲	نمروذ
۱۸۵	نیایش - نیایشگری	۴۰۸	نمک بحرام بودن
۱۰۷	نی در ناخن کردن	۲۰۹	نمک بر جگر داشتن
۳۱۹	نیرومند		

فهرست

۴۹۱

۱۰	ورق لاجورد	۳۱۵	نیرین
۲۰۳	ورق لاله	۴۱۱	نیزه
۳۸۵	ورق ورق گشتن	۱۲	نیزه بکف
۴۱۴	وصال یار	۴۰۴	نیشرزدن
۴۱۵	وضو گرفتن - وضو کردن	۳۷۵	نیشرزنبور
۳۷۱	وعدۀ حق رسیدن	۳۱۱	نیشکر
۴۱۵	وعدۀ دروغ - وعدۀ خلاف	۴۱۱	نیک محضر - نیکومحضر
۴۱۵	وعدۀ سبزیل - وعدۀ غلام بارگی	۲۸۲	نیک مرد - نیکوکار
۴۱۶	وقت شام	۲۰۴	نیکو
۴۱۶	وقت کارنماند	۱۵۱	نیلگون
۴۱۶	ولدالسحت	۱۳۲	نیل مصرگردون
۴۱۶	ولدالزنا	۱۵۱	نیلم
۱	ولع السبع	۱۳۲	نیلوفر
	ه	۱۰	نیلی چادر - نیلی رواق
		۱۰	نیلی قفس
۴۱۸	هاتف غیبی	۴۱۱	نیم تسایم
۲۸۲	هادم اللذات	۱۳۲	نیم خواب - نیم باز
۱۴۰	هادی مهدی - غلام	۲۵۵	نیم رس
۱۵۱	هاروت	۴۰۶	نیم مست - نیم نگاه
۴۱۹	هاله		و
۴۲۴	هایهوی - هایاهوی	۴۱۴	واقنادن - واکشیدن
۳۲۸	هرجائی	۴۱۴	واقعه عظیم
۴۱۹	هرزه بیان - هرزه گوی	۱۶	واقف شدن و گشتن
۳۷۹	هرزه خرج	۲	واکفیدن
۴۱۹	هرزه چاپکی	۳۱۳	وام دادن و گرفتن
۴۱۹	هرزه درای - هرزه لای	۴۱۴	وجود معشوق
۳۲۸	هرزه گرد - هرزه کار	۲۰۳	وجد - ورد
۷۶	هرزه نگاهی	۴۰۶	وحشی ادا
۷	هرهفت	۲۰۴	ورق آفتاب
۳۰۵	هزار پیرهن گوشت گرفتن	۳۸۵	ورق چیزی خواندن
۴۲۰	هزل و ظرافت	۱۰۰	ورق دریدن
۴۲۱	هفت آسیا	۳۸۵	ورق سنج

۲۲۱	هندوی گنبد گردان	۳۳۳	هفت آیت
۳۷۳	هندوی مینا	۴۲۰	هفت اقلیم
۴۲۴	هنر آفرین - هنری	۳۳۳	هفت بانو
۴۲۴	هنر پیشه - هنر خداوند	۴۲۱	هفت پرده چشم
۴۲۴	هنر پیوند - هنر سنج	۳۳۳-۴۲۱	هفت پیکر
۲۷۰	هنر زاد - هنر پور	۴۲۱	هفت جمله - هفت راه
۴۲۴	هنر وار - هنر پرداز	۴۲۰	هفت خط - هفتاد و هفت عدد
۴۲۴	هنر ور و هنر پرور	۴۲۱	هفت خلیفه
۴۱۶	هنگام فرصت نماید	۷	هفت در هفت کردن
۱۹۰	هنگامه طفلان	۴۲۱	هفت سپر - هفت ایوان
۴۲۴	هنگامه و شور و غوغا	۳۳۳	هفت سلطان
۴۰۳	هوائی شدن	۴۲۰	هفت شادروان - هفت کشور
۱۰	هودج گلریز	۳۳۳	شمع
۳۸۲	هوشیاری کردن	۴۲۱	هفت فلک - هفت پرده
۳۰۰	هیمة تر فروختن	۴۲۱	هفت محیط - هفت پیکر
۳۳۲	هیچ	۴۲۱	هفت ملت
		۷	هفت وفه کردن
۴۲۸	یاد و حفظ کردن	۴۲۳	هلاک کردن
۲۱۶	یار دوزمان	۴۲۲	هلال
۱۰۴	یار فروشی	۴۲۴	هلا نوش
۴۲۹	یار نو گرفتن	۱۴۰	همای بیضه دین
۳۵۲	یا قوت	۱۳	همخانه مسیح
۱۹۴	یا قوت (دهان معشوق)	۳۸۰	همدوشی کردن
۴۵	یا قوت روان	۳۸۰	همراهی کردن
۳۵۲	یا قوت فام	۱۳	همسایه مسیح
۳۵۲	یا قوت فروغ	۳۸۰	همسری کردن
۲۵۳	یا قوت مذاب	۱۵۱-۲۲۲	هندو
۴۱۹	یاوه گوئی	۱۰۲	هندوانه در کون غلطیدن
۲۰۳-۲۳۲	ید بیضا	۲۲۲	هندوسان
۲۸۳	یعسوب الدین	۲۲۱	هندوی پیر - هندوی بار یک بین
۱۳	یک اسپه	۲۲۱	هندوی چرخ - هندوی سپهر

۱۳	یوسف روز	۱۲۳	یکپا شدن
۱۳	یوسف زربین رسن	۱۲۳	یک . جلومیدان طرح دادن
۱۳	یوسف ذبیق نقاب	۷	یک چشمه کردن
۲۱۱	یوم التناد - یوم الیقین	۲۵۵-۴۲۹	یک دست و یک قلم
۲۱۱	یوم الحساب - یوم النشور	۲۰۲	یک رأی
۴۳۰	یونس اندردهان ماهی شد	۴۱۱	یک بیزه
۲۸۹	یونس اندردهان ماهی شدن	۴۲۹	یکه تاز - یکه سوار
		۴۲۹	یکه خوان

غلطنامه فهرست

خواننده گرام علاوه بر چند غلط که در صفحات فهرست بدست آمد و در ذیل ورقه شرح داده شد بعات اینکه مطالب گاهی در دو صفحه آمده هر گاه واژه مورد نظر را در صفحه‌ای که تعیین شده نیافتید به صفحه بعد یا قبل مراجعه کنید .

صفحه	سطر	ستون	غلط	صحیح
۴۳۲	۱۳	۲	آب بستن شدن	آبستن شدن
۴۳۲	۲۵	۱	آب در جگر شکستن	خاردر جگر شکستن
۴۳۳	۲	۱	آبله دل شکستن	آینه دل شکستن
۴۳۳	۲۲	۱	آتش تاك	آتشناك
۴۳۴	۹	۱	صفحه ۲۰۹	صفحه ۳۱۹
۴۳۴	۳۱	۲	صفحه ۲۶۲	صفحه ۲۵۲
۴۳۵	۹	۱	صفحه ۳۸۶	صفحه ۳۶۳
۴۳۵	۱۰	۱	آه در جگر بداشتن	آه در جگر نداشتن
۴۳۵	۱۳	۱	صفحه ۱۸۴	صفحه ۱۷۴
۴۳۵	۲۲	۱	صفحه ۱۱۲	صفحه ۱۲۲
۴۳۵	۳۰	۱	صفحه ۲۰۰	صفحه ۲۰
۴۳۵	۶	۲	آئینه هفت حرش	آئینه هفت جوش
۴۳۵	۲۳	۲	ابروی سام	ابروی شام
۴۳۶	۱۰	۱	صفحه ۱۹	صفحه ۹۹
۴۳۶	۱۹	۱	صفحه ۱۸	صفحه ۲۸
۴۳۹	۳	۲	از پر گار شدن	از پر کار شدن
۴۳۹	۲۶	۱	صفحه ۲۸۴	صفحه ۲۸۷
۴۳۹	۸	۲	صفحه ۲۵۷	صفحه ۲۵۷
۴۴۰	۴	۱	بجا افتان	بجا افتادن
۴۴۰	۲۱	۱	صفحه ۶۹	صفحه ۶۶
۴۴۰	۲۳	۱	صفحه ۳۲۳	صفحه ۴۲۳
۴۴۰	۲۷	۱	صفحه ۳۳۶	صفحه ۳۶۳

صفحه	سطر	ستون	مخطوط	صحیح
۴۴۰	۱۲	۲	صفحه ۴۰۰	صفحه ۴۰۲
۴۴۱	۹	۱	بردرافتادن	برو افتادن
۴۴۲	۲	۱	بستر آمدن	بسر آمدن
۴۴۴	۵	۱	پادشاه یرب	پادشاه یشرب
۴۴۴	۱۱	۱	صفحه ۳۲	صفحه ۳۴
۴۴۴	۲۰	۱	صفحه ۱۶۲	صفحه ۱۹۲
۴۴۴	۳۱	۱	صفحه ۳۱	صفحه ۳۳
۴۴۴	۱۱	۲	صفحه ۲۶۹	صفحه ۱۶۹
۴۴۵	۱۶	۱	صفحه ۲۵۱	صفحه ۲۳۴
۴۴۵	۱۷	۱	صفحه ۲۵۱	صفحه ۲۳۴
۴۴۵	۱۹	۱	صفحه ۲۵۱	صفحه ۲۳۴
۴۴۵	۳۱	۱	صفحه ۳۱۷	صفحه ۴۲۲
۴۴۵	۳۱	۲	صفحه ۹	صفحه ۱۹
۴۴۵	۸	۲	صفحه ۴۶	صفحه ۱۷
۴۴۶	۵	۱	صفحه ۲۷۲	صفحه ۲۹۵
۴۴۶	۶	۱	صفحه ۲۷۱	صفحه ۲۹۵
۴۴۶	۱۳	۱	صفحه ۳۳۵	صفحه ۲۵۲
۴۴۶	۸	۲	پی پسران	پی سپران
۴۴۶	۱۹	۲	پیشوائی فرستادن	پیشوای فرستادگان
۴۴۷	۲	۲	صفحه ۱۳۰	صفحه ۱۰۳
۴۴۷	۲۲	۲	تشهید کردن	تسهیر کردن
۴۴۸	۱۴	۱	۲۴۶	۲۴۲
۴۴۸	۲۶	۱	۱۴۹	۱۹۶
۴۴۸	۲	۲	توسر دادن	توپ سردادن
۴۴۸	۱۷	۲	۲۶۵	۲۵۶
۴۴۸	۲۸	۲	۱۱۶	۱۱۸
۴۴۸	۲۹	۲	۱۱۶	۱۱۹